



protecting persons ' privacy in iranian criminal and criminal proceedings with emphasis on judicial procedure

Mohsen Katouzian 1 Shida Negarandeh 2

1-Department of Law, Payamenoor University(pnu), P.O.Box19395-4697. Tehran. Iran.

2-Master of Law, Sari Branch, Islamic Azad University, Sari, Iran.

Table with 2 columns: Article Info and Abstract. Article Info includes type (Research Article), dates (Received, Revised, Accepted, Published), and keywords. Abstract discusses the right to privacy in human rights and its application in Islamic teachings.

Cite this article (APA): Katouzian, M & Negarandeh, S. (2025). protecting persons ' privacy in iranian criminal and criminal proceedings with emphasis on judicial procedure. Journal of Business law and economics, 2 (1), 618-662.

Table with 3 columns: Sponsor info, Author info, and License info. Includes DOI link, ORCID link, email address, and Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License logo.

حمایت از حریم خصوصی اشخاص در دادرسی های کیفری و حقوقی ایران با تأکید بر رویه قضایی

محسن کاتوزیان^۱ شیدا نگارنده^۲

^۱ گروه حقوق، دانشگاه پیام نور، صندوق پستی: ۴۶۹۷-۱۹۳۹۵، تهران، ایران.

^۲ دانش آموخته کارشناسی ارشد حقوق، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران.

اطلاعات مقاله	چکیده
<p>نوع مقاله: مقاله پژوهشی</p> <p>تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۴/۱۴ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۶/۱۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۲۷ تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۴/۰۶/۳۱</p> <p>واژه‌های کلیدی: حریم خصوصی، دادرسی کیفری، دادرسی حقوقی، رویه قضایی.</p>	<p>حق بر حریم خصوصی، یکی از محترم‌ترین حقوق اشخاص در تمامی جوامع است که تعالیم اسلامی نیز بر آن تأکید دارد. حمایت کیفری از حریم خصوصی، محدود های از اعمال و ویژگی های هر شخص است که برای عموم آشکار نبوده و یا وی تمایل به افشای آن ندارد. اشخاص هیچگونه ورود و نظارت دیگران بر این فضا را بر نمی‌تابند و نسبت به ورود غیر، واکنش نشان می‌دهند. حریم خصوصی ماهیتاً به گونه ای است که نمی‌توان تعریف واحدی برای آن ارائه نمود. واقعیت آن است که پذیرش یا ارائه تعریفی از این حق به محدودیت نادرست دامنه و حیطه شمول آن می‌انجامد. حمایت کیفری از حریم خصوصی ممکن است از جامعه ای به جامعه دیگر و از زمانی به زمان دیگر فرق کند. اما این واقعیت باعث نشده که صاحب نظران و اندیشمندان دست از تعریف یا حتی مخالفت با حق حریم خصوصی بردارند. از میان تعاریف مختلفی که از حریم خصوصی بیان شده، تعریفی که مناسب تر به نظر میرسد عبارتست از: محدوده ای از زندگی شخص که توسط قانون و یا عرف تعیین گردیده بطوریکه دخالت دیگران در این محدوده باعث لطمات معنوی و یا روحی وی گردد، به بیان دیگر سبب جریحه دار شدن احساسات او و تحقیر وی نزد دیگران شود. حریم خصوصی در دعاوی حقوقی، به ویژه در زمینه اطلاعات شخصی و ارتباطات، اهمیت زیادی دارد. این حریم می‌تواند در طی مراحل مختلف یک دعوا حقوقی (مانند جمع‌آوری شواهد، استعلام اطلاعات، یا بررسی اسناد تحت تأثیر قرار گیرد و لازم است که رعایت شود و در دادرسی های کیفری نیز به عنوان یک حق اساسی بشر، در دعاوی کیفری به عنوان یک عنصر حیاتی مطرح است. احترام به حریم خصوصی اشخاص، به ویژه در فرآیند دادرسی کیفری، برای تضمین دادرسی عادلانه و جلوگیری از سوءاستفاده از قدرت دولتی ضروری است.</p>
<p>لطفاً به این مقاله استناد کنید (APA): کاتوزیان، محسن و نگارنده، شیدا. (۱۴۰۴). حمایت از حریم خصوصی اشخاص در دادرسی های کیفری و حقوقی ایران با تأکید بر رویه قضایی. <i>دانشنامه حقوق کسب و کار و اقتصاد</i>، ۲(۱): ۶۱۸-۶۶۲.</p>	

	10.22034/jble.2025.561009.1034	تحت حمایت: موسسه انتشاراتی سماوس
	https://orcid.org/0000-0003-1051-3424	نویسنده مسئول: محسن کاتوزیان
	<p>این مقاله تحت شرایط https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/deed.fa قابل بازنشر است.</p>	ایمیل: M.Katouzian@pnu.ac.ir

حق بر حریم خصوصی، یکی از محترم‌ترین حقوق اشخاص در تمامی جوامع است و علاوه بر آن تعالیم اسلامی نیز بر آن تأکید دارد. حریم خصوصی، محدوده‌ای از اعمال و ویژگی‌های هر شخص است که برای عموم آشکار نبوده و یا وی تمایل به افشای آن ندارد. اشخاص هیچ‌گونه ورود و نظارت دیگران بر این فضا را بر نمی‌تابند و نسبت به ورود غیر، واکنش نشان می‌دهند. وجود تعالیمی در اسلام همچون لزوم رعایت کرامت ذاتی اشخاص، لزوم کتمان سر، حرمت و احترام عرض و آبروی اشخاص از یک سو و تصریح آیات و روایات متعدد بر حرمت تجسس در زندگی خصوصی اشخاص از سوی دیگر، بیانگر ارزش حق بر حریم خصوصی است.

انسان‌ها بنا بر فطرت خود، قلمروهایی را محدوده خصوصی خویش می‌دانند و در آن پناه می‌گیرند. در این پناهگاه امن خصوصی است که زندگی و حیات برای آنان میسر می‌شود و (انسانیت) معنا و مفهوم می‌یابد. شخصیت و آبرو، ناموس، خانه و محل کار و اموال از آن جمله‌اند. ورود خودسرانه و بی ضابطه به این قلعه مقدس در حکم کشتن افراد و فرو ریختن دیوار انسانیت آنان است. همچنین رعایت حریم خصوصی از الزامات دموکراسی و رعایت حقوق شهروندی و احترام به زندگی افراد، اعم از زندگی اجتماعی، اقتصادی، ایدئولوژیکی، اعتقادی، معنوی و رفتاری است. بنابراین، حریم خصوصی افراد، جزء لاینفک نظام دموکراسی است.

احترام به حریم خصوصی هر فرد از آحاد جامعه، به منزله تثبیت بنیان‌های فکری و اخلاقی و تحکیم ستون‌هایی است که جامعه براساس آن در طول تاریخ استوار باقی می‌ماند و هیچ نیرویی قادر به سست نمودن یا تخریب آن نخواهد بود. در چنین نگرشی، آبروی خصوصی و اجتماعی مردم با هیچ بهانه‌ای خدشه‌دار نمی‌شود و امنیت اجتماعی آنها تحت هیچ شرایطی با مخاطره روبه‌رو نخواهد شد. احترام به حریم خصوصی تک‌تک مردم به معنای حفظ «حریم خصوصی جامعه» است و آزادی افراد تنها در سایه حفظ حریم خصوصی جامعه معنی پیدا می‌کند.

با توجه به آنچه یاد شد می‌توان به این نتیجه رسید که، توجه به حریم خصوصی به عنوان یکی از اساسی‌ترین مصادیق حقوق بشر، از توجه به شأن و منزلت انسانی و ارزش‌های مبتنی بر انواع آزادی‌ها نشأت گرفته و امروزه به یکی از کانونی‌ترین مباحث در جامعه جهانی و یکی از مهم‌ترین مسائل حقوق بشر در عصر جدید تبدیل شده است. در رابطه با موضوع حریم خصوصی تحقیقات متعددی صورت گرفته است ولی درباره جنبه‌های مجهول و مبهم موضوع بایستی اذعان نمود که مصادیق حریم خصوصی در گذر زمان متحول شده است و سال به سال بر موارد آن افزوده می‌شود و یا برخوردهای متفاوت با یک موضوع انجام می‌شود. برای مثال امروزه حریم خصوصی با ظهور اشکال جدید مراسلات همچون پست الکترونیکی و ارتباطات ماهواره‌ای، تلفن‌های بی‌سیم و امثال آن با مسائل جدیدتری روبرو شده و توسعه مضاعف یافته است. در رابطه با محدوده شمول و مصادیق موضوع حریم خصوصی ما بین دکترین و سیستم‌های حقوقی اختلاف نظر عمیقی وجود دارد، بنابراین با وجود این اختلاف نظر‌ها خلاءهای عمیقی در رابطه با این موضوع ایجاد شده است و باعث تشتت آرا شده است. بنابراین برای رفع این خلاء و کم‌رنگ کردن این اختلاف نظر‌ها بایستی اهمیت فراوانی نسبت به موضوع رویه قضایی داده شود تا با استفاده از آن بتوان برای ایجاد اتفاق نظر و کم‌کردن اختلاف آرای قضایی گام برداشت.

فصل اول: مبانی و عناصر حریم خصوصی در پرتوی حاکمیت قانون و دادرسی های کیفری و حقوقی و رویه های قضایی:

مبحث اول: مبانی حمایت از حریم خصوصی در تعالیم اسلامی:

اصل کرامت ذاتی بشر، اصل احترام عرض و آبرو و اصل لزوم کتمان سر از مهمترین مبانی و اصول حمایت از حریم خصوصی در تعالیم اسلامی است که در این قسمت، مورد بررسی قرار می گیرد.

گفتار اول: اصل کرامت ذاتی بشر:

در تعالیم اسلامی، کرامت ذاتی انسان نه بر مبنای یک امر قراردادی و اعتباری و یا عقلایی صرف، بلکه بر اساس یک امر هستی شناختی اصیل که ریشه در ذات خلقت بشری دارد، م یباشد. کرامت انسانی و احترام به مقام والای اشرف مخلوقات، سنت الهی و سیره برگزیدگان و صالحان است. حفاظت از تمامیت روحی و جسمی انسان از آنجایی که خلیفه خداوند در زمین است و جلوه ای از وجود لایزال الهی م یباشد، امری بایسته و واجب محسوب م یگردد. لذا هرگونه مداخله، تجسس، پ یجویی اطلاعات، نگاه کردن و افشای اطلاعات شخصی افراد که ایشان تمایلی به افشا آنها ندارند و باعث وهن و تحقیر ایشان شود، منافی این کرامت ذاتی است. اطلاعاتی از قبیل بیمار یهای جنسی، عیوب رفتاری یا گفتاری، مشکلات خانوادگی، پیشینه منفی افراد و گناهان و معاصی گذشته ایشان، اطلاعاتی هستند که ممکن است شخص رضایت به افشای آنها نداشته باشد و در صورت آگاه ییافتن و افشای این اطلاعات (ولو نزد یک نفر) حیثیت و شرافت شخص از بین برود و یا اینکه حتی وی از افشاء آنها احساس خجالت، سرافکنندگی و انزوا نماید. از این روست که با افشای این اطلاعات کرامت ذاتی بشر از بین می رود و برای حفظ این کرامت ذاتی لازم است حریم خصوصی اشخاص مورد حمایت قرار گیرد.

در حقوق مبتنی بر اومانیسیم و لیبرالیسم، حمایت از حریم خصوصی مستند به تئوری قرارداد اجتماعی است و به همین دلیل قدرت عمومی م یتواند به بهانه ایجاد نظم و امنیت و یا شرایط اضطراری براحتمی به نقض حریم خصوصی افراد مبادرت کند؛ اما در حقوق اسلامی که حق بر حریم خصوصی افراد مبتنی بر اصل کرامت ذاتی بشر طر حریزی شده است، نم یتوان به این حق مسلم اشخاص به بهانه ههای واهی تعرض نمود؛ بلکه اصل اولیه را باید بر رعایت کرامت ذاتی اشخاص بنا نهاد و تنها در موارد اضطراری که منافع کلی

جامعه اسلامی در معرض خطر است در حدود ضرورت و با اذن مقام ذ یصلاح قضایی و با حدود کاملاً مشخص وارد این فضا شد.

گفتار دوم: اصل حرمت و احترام عرض و آبرو در حقوق و رویه قضایی:

در تعالیم اسلامی، هرگونه هتک عرض و آبروریزی اشخاص حرام بوده و شدیداً مورد تقبیح قرار گرفته است. احترام و ارزش انسان در حدی است که هرگونه تعرض و مخدوش نمودن آبرو و عرض مسلمان شدی دترین عقوبت ها را دارد. وجوب دفاع از آبرو در کتب فقهی در عرض دفاع از نفس آمده است.^۱ حفظ

^۱ - سبزواری، سید عبدالعلی، ۱۴۱۳، مهذب الاحکام، جلد بیست و هشتم، قم، انتشارات دفتر آیه الله سبزواری، ص ۳۶۹.

حمایت از حریم خصوصی اشخاص در دادرسی های کیفری و حقوقی ایران با تأکید بر رویه قضایی: محسن کاتوزیان و شیدا نگارنده
قانون مجازات اسلامی، قانون آزادی اطلاعات و قانون حقوق شهروندی پرداخته و کاستی های این قوانین را در این باب تحلیل و بررسی شده است.

در نظام حقوقی ایران، حریم خصوصی به طور مشخص حمایت نشده است. حقوق و آزادی هایی که تحت عنوان حریم خصوصی حمایت می شوند، به طور ضمنی و در بطن سایر قواعد حقوقی ایران، حمایت شده اند. «میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی» که دولت ایران بدان ملحق شده است. تنها منبعی است که به طور صریح، بر حمایت از حریم خصوصی در نظام حقوقی ایران تأکید دارد.

گفتار اول: آزادی فکر:

هر فردی حق دارد درباره هر موضوعی اعم از اجتماعی، فلسفی، سیاسی و مذهبی که بخواهد فکر کند، بدون آنکه کسی حق داشته باشد افکار و عقاید او را مورد کنترل قرار دهد و یا عواملی پدید آورد که منجر به اختناق فکری و مانع رشد ادراکات صحیح او گردد^۵. اسلام مردم را برای احترام به آزادی عقیده دعوت می کند و آنان را به شنیدن سخن اشخاص فرا می خواند «فبشر عباد الذین یستمعون القول فیتبعون احسنه اولئک الذین هدیهم» لکن اسلام هرگز عقایدی را که بر خلاف عقل و اخلاق باشد نمی پذیرد و برای آن ارزشی قائل نیست. (لا اکراه فی الدین قد تبین الرشد من الغی) اسلام در قرآن کریم همه جا انسان را به تفکر، تعقل، غور و تحقیق درباره اسرار دستگاه آفرینش و تاریخ گذشتگان و پندآموزی از آن فرا می خواند و عقل آدمی را به داوری می طلبد و تحصیل علم را هر چند از دورترین نقاط جهان تشویق می نماید.

ماده ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر درباره آزادی فکر چنین مقرر می دارد: هر کس حق آزادی عقیده و بیان دارد و حق مزبور شامل آن است که از داشتن عقاید خود بیم و اضطرابی نداشته و در کسب اطلاعات و اخبار و در اخذ و انتشار آن با تمام وسائل ممکن و بدون ملاحظات مرزی آزاد باشد. میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی در توضیح و تکمیل اعلامیه جهانی حقوق بشر آزادی عقیده را متضمن دو حق می داند: یکی حق داشتن و یا قبول یک عقیده و دیگری حق ابراز آن.

به موجب قانون اساسی ایران تفتیش عقاید ممنوع است و شخص به صرف داشتن عقیده ای، نباید مورد تعرض و ایذاء و اذیت و یا متحمل صدماتی در زندگی اجتماعی شود ولی آنجا که ابراز عقیده محل نظم، امنیت یا اخلاق حسنه و یا مزاحم حقوق و آزادیهای دیگران گردد، قابل مجازات خواهد بود^۶.

بر این اساس مردم در این زمینه دارای حقوقی می باشند یکی از این حقوق آزادی دستیابی اشخاص به اطلاعات و علوم روز می باشد. زیرا در سایه کسب علم و نیز بینش می توان از حقوق و امتیازات خود آگاه شد و در مسیر رشد و بالندگی حرکت کرد. البته همیشه وجود داشته اند افرادی که سعی در برهم زدن این مسیر تحول گرایانه داشته اند لذا با عقب نگه داشتن دیگران و نیز با استفاده از منابع و امکاناتشان راه پیشرفتهای مادی خود را هموار نموده اند.

به عنوان نمونه در آنگولای مستعمره پرتغال که چهار و نیم میلیون جمعیت دارد فقط ۷۵۰ نفر آن هم با برنامه قرون وسطایی مشغول تحصیلند و در مدت ۳۵۰ سال دوره استعمار فقط چهار نفر آنگولایی توانسته اند خود را

^۵ - قربانی، زین العابدین، ۱۳۸۳، اسلام و حقوق بشر، تهران، انتشارات سایه، ص ۳۲۵.

^۶ - طباطبایی مؤتمنی، منوچهر، ۱۳۸۲، آزادی های عمومی و حقوق بشر، چاپ سوم، انتشارات دانشگاه تهران، ص ۹۹.

به دانشگاه برسانند و تازه این هم پس از فراغت از تحصیل از مراجعت به وطن و خدمت به هموطنانشان محروم شده اند. تنها راه مبارزه با این گونه دست اندازیها به حقوق مردم ارج نهادن به حریم خصوصی افراد است و دولتها و ملتها و سازمانهای بین المللی باید با تصویب قوانین و مقررات مقتضی به پاس داشت حریم خصوصی افراد بپردازند.^۷

گفتار دوم: آزادی مسکن و آمد و شد:

آزادی رفت و آمد و اختیار مسکن، نتیجه امنیت شخصی است و مفهوم آن این است که شخص هر وقت بخواهد در داخل یک کشور رفت و آمد کند، و در هر محلی که مایل باشد سکونت کند و نیز بتواند هر موقع بخواهد آن کشور را ترک کند و یا به کشور خود باز گردد و هیچ رادع و مانعی نتواند او را از این آزادی باز دارد. ۲۰ این قسم از آزادی نیز در اسلام مورد تأیید و حمایت قرار گرفته است.

حضرت علی(ع) می فرمایند: البلاد بلاد ... و العباد عباد ... فحیثما اصبت خیر فاقم. بر این اساس ماده ۱۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر مقرر می دارد: هر کس حق دارد که در داخل هر کشوری آزادانه عبور و مرور کند و محل اقامت خود را انتخاب کند و هر کشوری از جمله کشور خود را ترک کند یا به کشور خود باز گردد. البته همین آزادی مسکن نیز در مواردی که شخص فاسدی تبعید می شود محدود می شود همچنین در مورد کسانی که در دارالفکر زندگی می کنند و با مشکل عدم اظهار ایمان مواجه هستند بر آنان لازم دانسته که آن را ترک کنند.

گفتار سوم: مصونیت در منزل:

مصونیت خانه یا مسکن در واقع متمم امنیت شخصی در آزادی مسکن است و بخشی از حریم خصوصی و وجه تمایز آزادی و توتالیتریسم است. حریم شخصی یعنی آزادی عمل فرد در حریم خانه و زندگی خصوصی، روابط، مکالمات و مکاتبات و اسرار شخصی است. در این محدوده فرد مصون از تعرض و تجسس و کنجکاوی ها و رفتار پلیسی است. از نظر تفکر آزاد منش حریم خصوصی لازمه تجدید قوا و احساس آرامش و تحقق بخشیدن به شخصیت انسان است که بدون آن فرد به جسمی بدون روح بدل می شود. امنیت شخصی نه تنها شامل جان و مال فرد بلکه شامل مسکن او نیز می باشد خانه شخص مصون از تعرض است و بدون اجازه صاحب خانه نمی توان وارد منزل شد یا منزل کسی را مورد بازرسی قرار داد و حتی مأموران دولتی نیز حق ندارند داخل خانه کسی شوند مگر با اجازه مقامات قضایی و با رعایت تشریفات قانونی.

بند اول: مصونیت در منزل از منظر قرآن:

پاسداشت حریم مسکن در دو آیه ۲۷ و ۲۸ سوره نور مورد تأکید جدی قرار گرفته است:

الف- سوره نور آیه ۲۷: «یا ایها الذین آمنوا لاتدخلوا بیوتاً غیر بیوتکم حتی تستأنسوا و تسلّموا علی اهلها ...» در این آیه بصورت لای نهی ورود به خانه غیر ممنوع شده است مگر اینکه اجازه گرفته شده باشد. طبیعی است که در این صورت خود صاحبخانه اجازه دسترسی به حد متعارف از زندگی شخصی خود را داده است و این منافاتی با نقض حریم خصوصی ندارد و از محل بحث ما خارج می شود.

^۷ - قربانی، پیشین، ص ۲۲۷.

ب- سوره نور آیه ۲۸: «... فلا تدخلوا حتی یؤذن لکم و ان قیل لکم ارجعوا فارجعوا...» این آیه شریفه نیز ورود به حریم خصوصی منزل را منوط به اجازه صاحب خانه و یا ساکنین آن داده است و نیز تأکید قسمت دوم آیه این مفهوم را میرساند که در صورت عدم وجود اجازه کسی حق ورود ندارد.

بند دوم: مصونیت مسکن در قوانین:

بند ۹ ماده ۹ کنفرانس اسلامی حقوق بشر در قاهره چنین مقرر می دارد: «احترام مسکن هر شخص در هر حال محفوظ است و داخل شدن در آن بدون اجازه اهل آن و یا به هر صورت غیر مشروع جایز نیست و خراب کردن مسکن و مصادره و فراری دادن اهل آن جایز نیست مگر با مجوز شرعی.»^{۲۶} اصل بیست و دوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز در این مورد تصریح دارد: «حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است مگر در مواردی که قانون تجویز می کند.»

آنچه در واقع به خانه ارزش می دهد، امنیت آن است که به ساکنین آن، این امکان را می دهد که در زندگی خصوصی خود از استقلال کامل برخوردار شوند. اگر بنا شود خانه شخص هر موقع مورد تعرض و مزاحمت قرار گیرد و یا خود سرانه تفتیش و بازرسی شود، دیگر امنیت خاطر، آزادی و آسایش فکری از انسان سلب می شود و استقلال فردی و به طور کلی امنیت شخصی، مفهوم خود را از دست می دهد.^۸

فرق بین رژیم لیبرال با رژیم توتالیتر در وجود همین استقلال و مصونیت و آزادی شخصی است، در رژیم توتالیتر بین حریم خصوصی و حریم عمومی و دولتی تفاوتی وجود ندارد. ۲۷ ضمانت اجرای مصونیت مسکن در ماده ۱۳۷ قانون مجازات اسلامی و سایر مواد معین شده است. ماده ۱۳۷ در این باره می گوید: «هر کس در منزل یا مسکن دیگری به عنف یا تهدید وارد شود، به مجازات شلاق تا هفتاد و چهار ضربه محکوم خواهد شد.»

استثناء:

همین حقی که از حقوق مربوط به حریم خصوصی هر شخص مربوط می شود ممکن است در موارد اندکی محدود شود. به عنوان مثال در موردی که مجرمی گریخته و به خانه پناه آورده باشد یا در منزل کسی محل فساد و توطئه علیه اسلام و یا امنیت ملی یا اجتماعی باشد در این گونه موارد حکومت اسلامی و یا هر حکومت دیگری طبق اختیاری که دارد می تواند بدون رضایت وارد منزل مجرم شده و او را تحت مجازات قرار دهد.

لذا می توان گفت که بر اصل مصونیت مسکن حداقل سه استثناء وارد است:

۱. بازرسی منازل در مورد کشف جرایم و یا تعقیب مجرمین توسط و یا به دستور مقامات قضایی.

۲. بازرسی و معاینه منازل برای اجرای حکم دادگاه.

۳. معاینه منازل در مورد ارزیابی و ممیزی مالیاتی و غیره، با کسب اجازه قبلی از مقامات قضایی. لذا نوع استفاده از خانه در حدودی است که مخالف قانون یا اخلاق حسنه نبوده و یا از نظر ایمنی و بهداشت و سر و صدا و ... موجب مزاحمت همسایگان نباشد.

^۸ - علیزاده، عبدالرضا، ۱۳۸۷، مبانی رویکرد اجتماعی به حقوق، تهران، انتشارات سمت، ص ۳۲.

۴. نگاهداری طیور و حیوانات اهلی در منازل تابع قانون و عرف و عادت است.^۹

گفتار چهارم: مصونیت مکاتبات، مکالمات، مخابرات و اسرار شخصی:

یکی از نتایج آزادی شخصی، مصون بودن مکاتبات، مکالمات تلفنی، مخابرات تلگرافی تلکس و بطور کلی اسرار شخصی است این قاعده منطبق بر دستور قرآن کریم است. (آیه ۱۲ سوره حجرات) که شرح آن پیشتر آمد. ماده ۱۲ اعلامیه جهانی حقوق بشر می گوید: «احدی در زندگی خصوصی و امور خانوادگی و اقامتگاه و یا مکاتبات شخصی خود نباید مورد مداخله های خود سرانه واقع شود ... و هر کس حق دارد در مقابل این گونه مداخلات و حملات مورد حمایت قانون قرار گیرد. به موجب اصل ۲۵ قانون اساسی «بازرسی و نرساندن نامه ها، ضبط و فاش کردن مکالمات تلفنی، افشای مخابرات تلگرافی و تلکسی، سانسور، عدم مخابره و نرساندن آنها، استراق سمع و هرگونه تجسس ممنوع است مگر به حکم قانون».

ضمانت اجرای این اصل نیز در قانون مجازات اسلامی معین شده است: به موجب ماده ۶۴ قانون مجازات اسلامی: «هر یک از مستخدمین و مأمورین دولتی که مراسلات یا مخابرات یا مکالمات تلفنی اشخاص را در غیر مواردی که قانون اجازه داده است، مفتوح یا توقیف یا معدوم یا بازرسی یا ضبط و یا استراق سمع نماید یا بدون اجازه صاحبان آنها مطالب را افشاء کند محکوم به انفصال از شغل خود و شلاق تا ۷۴ ضربه یا حبس از شش ماه تا سه سال خواهد بود.»

البته بر اصل مصونیت اسرار، مکاتبات، مکالمات و مخابرات شخصی در دو مورد استثناء وارد آمده است: یکی در زمان اضطراری بر طبق دستور اصل ۷۹ قانون اساسی و دیگر کشف و تعقیب جرایم ۳۳ لذا اصل در ممنوعیت تجسس مکاتبات و مخابرات افراد و همه مردم باید اطمینان داشته باشند که نسبت به مراسلات آنها اعم از نامه، تلفن، فاکس امنیت کامل وجود دارد و مورد بازبینی قرار نمی گیرد. ماده ۵۸۲ قانون مجازات اسلامی با جمله «هر کس مکتوب سر بسته را که به عنوان او نیست.» این حق را تضمین کرده است.^{۱۰}

گفتار پنجم: آزادی کار:

هر کس حق دارد هر کاری که با قانون و شرع مخالفت نداشته باشد اختیار کند و در این مورد کسی نمی تواند دخالت کرده و مانع شود و نیز کسی را نمی توان به کاری واداشت که مورد رضای او نیست. روایات موجود در کتب تاریخ اسلام نیز بیانگر اهمیت آزادی کار در اسلام است که برای نمونه به یک مورد آن اشاره می کنیم: گروهی نزد حضرت علی(ع) آمده و تقاضا کردند که برای ایجاد و حفر چاه آب و نهر مردم را تأمین کند.^{۱۱}

حضرت علی(ع) قضیه را به این شکل نپذیرفتند و فرمود: «لست اری ان اجبرا احدا علی عمل یکرهه» و لکن تدبیری مناسب در پیش گرفتند و به عامل خود دستور دادند که هر کدام از مردم که «مایل»

^۹ - مومنی، پیشین، ص ۵۸.

^{۱۰} - قایی نیا، حسین، ۱۳۸۵، جرایم علیه اشخاص، تهران، انتشارات میزان، ص ۶۵.

^{۱۱} - آشوری، محمد، ۱۳۸۴، آیین دادرسی کیفری، جلد ۲، چاپ ۵، تهران، انتشارات سمت، ص ۱۳۵.

حمایت از حریم خصوصی اشخاص در دادرسی های کیفری و حقوقی ایران با تأکید بر رویه قضایی: محسن کاتوزیان و شیدا نگارنده
باشند بکار بگمارد ولی وقتی که نهر ساخته شد متعلق به کسانی خواهد بود که در بنای آن کار کرده و زحمت کشیده اند. در این روایت حضرت هیچکس را به کار اجباری وادار نکردند.

گفتار ششم: آزادی مالکیت:

از دیگر حقوقی که به حریم شخصی هر فرد مربوط شده و کسی حق ندارد آن را از انسان سلب کند آزادی در مالکیت است. از آنجا که مالکیت فردی از سرشت و فطرت انسان سرچشمه می گیرد و عامل مؤثری برای دلگرمی و رونق زندگی است اسلام نیز آن را مقدس شمرده و در قانون گذاری خود از آن حمایت می کند. و می گوید هرگاه کسی مالی را از مجرای صحیحش بدست آورد^{۱۲}.

آن مال متعلق به همان شخص است: «للرجال نصیب مما کسبوا و للنساء نصیب مما اکتسبن» نساء/ ۳۲ و کسی حق ندارد در قراردادهای او تصرف عدوانی نماید: «یا ایها الذین امنوا لاتأکلوا اموالکم بینکم بالباطل، الا ان تكون تجاره عن تراض منکم» نساء/ ۲۹ البته این بدان معنا نیست که هر کس آزاد باشد از هر راهی که می تواند تحصیل مال و ثروت کند بلکه مالهای قانونی خواهد بود که از راههای مشروع کشاورزی، دامداری، تجارت، صنعت و نظایر این ها بدست آید.

گفتار هفتم: مصونیت یا امنیت فردی:

مصونیت یا امنیت فردی به به این معناست که فرد از افراد جامعه از هرگونه تعرض و تجاوز مانند قتل، ضرب، جرح و توقیف، حبس، تبعید، شکنجه و سایر مجازات های غیر قانونی و خود سرانه و یا اعمال و افعالی که منافی شئون و حیثیت انسانی او است مانند اسارت، تملک، بهره کشی و بردگی، فحشاء و ... مصون و در امان باشد و آن پایه و اساس تمام آزادیهاست که با فقدان آن سایر آزادیهای فردی معنی و مفهوم خود را از دست میدهد^{۱۳}.

اصل ۳۲ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در این زمینه بیان می دارد: «هیچ کس را نمی توان دستگیر کرد مگر به حکم و ترتیبی که قانون تعیین می کند. در صورت بازداشت موضوع اتهام باید با ذکر دلایل بلافاصله کتباً به متهم ابلاغ و تفهیم شود و حداکثر ظرف مدت ۲۴ ساعت پرونده مقدماتی به مراجع قضایی ارسال و مقدمات محاکمه، در اسرع وقت فراهم شود متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می شود.» به عقیده لنون دوگی حقوقدان مشهور فرانسوی، برای اینکه در یک نظام حقوقی امنیت و مصونیت فردی بطور مؤثری تأمین و تضمین شود شرایط زیر باید جمع شود:

۱. هیچ حبس و یا توقیفی ممکن نباشد مگر بر طبق مقررات و تشریفات که قانون آن را دقیقاً معین می نماید.

۲. حبس و یا توقف اشخاص فقط توسط و یا به دستور مأمورانی انجام شود که از بی طرفی و استقلال کامل بر خوردارند به عقیده دوگی این مأموران فقط مأموران قضایی می توانند باشند.

^{۱۲} - کاتوزیان، ناصر، ۱۳۸۰، مقدمه علم حقوق و مطالعه در نظام حقوقی ایران، تهران، انتشارات شرکت سهامی، ص ۲۶۵.

^{۱۳} - پاد، ابراهیم، حقوق کیفری اختصاصی، جلد ۱، چاپ ۱، تهران، انتشارات دانشور، ص ۷۱.

۳. مأمورانی که بر خلاف قانون به حبس و یا توقیف اشخاص مبادرت می کنند و یا آنرا دستور می دهند و یا اشخاص را بر خلاف قانون در حبس و یا توقیف نگاه می دارند قانوناً مسئول شناخته شده و به کیفر اعمال خود برسند به عقیده دوگی، یک دولت پیشرفته باید کوشش کند که این سه عنصر در قوانین خود منظور و ملحوظ گردد.

مبحث سوم: عناصر حریم خصوصی در نظام حقوقی ایران و دادرسی های کیفری و رویه قضایی:

یکی از مسائلی که در سالهای اخیر مطرح شده، بحث عناصر حریم خصوصی است. تا کنون تعاریف مختلفی از حریم خصوصی ارائه شده که اکثر آنها دارای اشکالات جدی است. آنچه لازم و ضروری به نظر می رسد ارائه عناصر دقیق این اصطلاح و بازخوانی اهمیت آن در نظام حقوقی و کیفری ایران است. حریم خصوصی «آن بخش از زندگی است که در آن، از بازخواست و کیفر حقوقی آزاد است و هر گونه تصمیم گیری نسبت به آن، اطلاع، ورود و نظارت بر آن منحصراً در اختیار اوست و مداخله دیگران در آن و یا دسترسی به آن بدون اذن او مجاز نیست» که عناصر آن به شرح زیر می باشد.

گفتار اول: عناصر قائم به تعریف حریم خصوصی:

بنا به تعریف حریم خصوصی، بدین شرح که، حریم خصوصی؛ آن بخش از زندگی هر انسان است که در آن از آزادی در برابر بازخواست و کیفر حقوقی، برخوردار می باشد و هرگونه تصمیم گیری درباره آن و نیز اطلاع، ورود و نظارت بر آن منحصراً در اختیار اوست و مداخله دیگران در آن یا دسترسی به آن بدون اذن او مجاز نیست. می توانیم عناصری از آن را برشمیریم:

بند اول: خصوصی بودن:

این عنصر در ذات حریم خصوصی نهفته است؛ چون در غیر این صورت، عمومی خواهد شد و لذا اگر فردی امور مربوط به حریم عمومی را به درون فضای خصوصی زندگیش ببرد و انتظار عدم دخالت دیگران را داشته باشد، قطعاً انتظارش بجا نخواهد بود.

بند دوم: آزادی از محدودیت های حقوقی:

دیگر عنصر حریم خصوصی این است که در آن، انسان از قوانین و محدودیت های فقهی و حقوقی آزاد است و می تواند بر اساس نوع سلیقه و پسند خویش عمل نماید. البته این به معنای عدم وجود تکلیف فقهی در حریم خصوصی نیست؛ زیرا انسان در همه جا تکلیف دارد؛ اما این تکلیفی که در حریم خصوصی متوجه انسان است، امری است بین او و خدایش و علاوه بر اینکه اثرات وضعی کارهایش در این دنیا دامنگیر او خواهد شد، در قیامت نیز آثار تکلیفی آن دامنش را خواهد گرفت و در آنجا باید پاسخگوی اعمال و رفتار خویش در این دنیا باشد^{۱۴}. اما نکته این است که نمی توان فردی را به سبب انجام یا ترک کاری در محیط خصوصی اش مورد بازخواست قرار داد.

^{۱۴} -مهرپور، حسین، ۱۳۷۴، حقوق بشر در اسناد بین المللی و موضع جمهوری اسلامی ایران، تهران، انتشارات اطلاعات، ص ۲۱۱.

بند سوم: استقلال انحصاری در تصمیم گیری:

حریم خصوصی چون محیطی است مربوط به شخص، طبیعی است که عواقب کارهایی که در آنجا صورت می گیرد، گریبان صاحب آن را خواهد گرفت. بر این اساس، هر گونه تصمیم گیری در حریم خصوصی، منحصرأ در اختیار فرد است و هیچ فرد حقوقی یا حقیقی دیگری نمی تواند برای آن تصمیم گیری نماید؛ مگر با درخواست فرد صاحب حریم.

بند چهارم: عدم جواز دخالت و نظارت دیگران بر آن:

همان طور که در توضیح عنصر قبل گذشت، چون حریم خصوصی مربوط به شخص است و او خود مستقلاً حق تصمیم گیری در مورد آن را دارد، بدیهی است که هیچ فرد حقوقی و یا حقیقی دیگری حق نظارت بر آن یا دخالت در آن را نخواهد داشت.^{۱۵}

بند پنجم: خفا یا محرمانه بودن آن و عدم جواز ورود به آن و یا اطلاع از آن، بدون اجازه:

چون انسان در حریم خصوصی اش آزاد است و می تواند به صورتی که سلیقه اش می پسندد زندگی کند و نیز چون حریم خصوصی، محیط راحتی و آسایش انسان است، طبیعتاً این محیط، محرمانه تلقی می شود و هر نوع سرک کشیدن به آن یا اطلاع یابی از آن، منوط به کسب مجوز از صاحب آن خواهد بود.

گفتار دوم: عناصر مادی و معنوی در حریم خصوصی در رویه قضایی:

بند اول: حریم خصوصی مادی:^{۱۶}

حریم خصوصی مادی مکان یا حدی است که شخص به تنهایی یا به همراه جمعی دیگر در آن مکان یا حد از حقوق اختصاصی تقریباً مطلق برخوردار است. حریم خصوصی مادی هیچ گونه استلزامی با حریم خصوصی معنوی که بعداً به آن خواهیم پرداخت ندارد. مهم ترین ویژگی حریم خصوصی مادی حدود مشخص مکانی است. ویژگی های عمده حریم خصوصی مادی به شرح ذیل است.

۱- توسط اشخاص انتخاب می شود به این معنا که اعتبار آن ناشی از معرفی شخص و تأیید کلی قانون است. حریم خصوصی مادی می تواند هر محل و مکانی باشد با این وصف به خودی خود مکان مذکور فاقد حرمت است مگر آن که شخص دیگری به آن پا گذارد یا در آن دخالت کند. بی گمان مکانی که شخص به عنوان حریم خود انتخاب و معرفی می کند باید فاقد معارض بوده و با حقوق خصوصی و عمومی افراد دولت منافات نداشته باشد چرا که در این صورت می تواند مصداق نقض حریم اشخاص یا دولت باشد. بنابراین حریم خصوصی مادی زمانی اعتبار خواهد داشت که مورد حمایت قانون نیز قرار گیرد

۲- ورود و خروج آن محدودیت دارد: این محدودیت ناشی از اصله الصحه از یک طرف و اماره تصرف از طرف دیگر است. زیرا کسی که محدوده ای برای خود به عنوان حریم خصوصی برگزیده، هم او می تواند به اعتبار حضور خود محدودیت هایی را در مورد ورود و خروج به حریم انتخاب شده اعمال کند و این حق نیز توسط دیگران نمی تواند نادیده گرفته شود زیرا دیگران صرفنظر از مبنای حقوقی و قانونی حریم انتخاب شده اصل را

^{۱۵} - مهرپور، پیشین، ص ۲۰۰.

^{۱۶} - زراعت، عباس، ۱۳۷۷، شرح قانون مجازات اسلامی، کاشان، انتشارات فیض، ص ۳۰۰.

بر صحت آن گذاشته و به همین خاطر مجاز به ورود به حریم مذکور نیستند. در واقع محدودیت تردد در حریم خصوصی ناشی از همان خصوصی بودن آن است.

۳- اعتبار حریم خصوصی قائم به شخص آن است. البته هم قائم به شخص است و هم نیست به این معنی که بسته به وضع مکان یا فضای مادی ممکن است حریم خصوصی ملکی عرفا یا قانونا تعریف شود در این صورت بدیهی است که حریم مذکور قائم به شخص دارنده آن نیست و در فقدان وی نیز حریم تعیین شده موجودیت دارد اما به ویژه در اماکن مسکونی حریم خصوصی را متصرف آن تعیین می کند و هم اوست که می تواند به رغم نظام‌مندی عرفی دامنه حریم خصوصی خود را کاهش یا افزایش دهد.

۴- حریم خصوصی الزاما جزو مایملک شخصی نیست اما شخص که دارای حریم خصوصی مادی است بر آن تسلط ناشی از تصرف دارد درحالی که تصرف او ممکن است مالکانه نیز نباشد بنابراین حریم خصوصی مادی مستلزم داشتن مالکیت در محدوده حریم نیست و این امر نیز مستلزم قانونی بودن تصرف نیست مگر در صورت وجود معارض که نیاز به اثبات قانونی بودن پیش کشیده خواهد شد.

۵- حریم خصوصی مادی اختصاص به مکان یا محدوده معین دارد به این معنی که مقتضیات مکان نیز در تعیین حریم خصوصی نقش مهمی دارند. حتی اگر شخص آن را تعریف کرده و اعلان کند اما برخی اماکن مادی وجود دارند که بیشتر از مقتضای آنها نمی تواند حریم واقع شود. بنابراین در این جا هم نقش صاحب حریم محدودتر خواهد شد.

۶- اشخاص حاملان حریم خصوصی مادی نیستند و شخص نمی تواند با ترک مکان یا محدوده حریم آن را که خواست او نیز هست در مکان دیگری مستقر کند همچنانکه نمی تواند در مکان جدید به تعیین حریم جدید اقدام کند.

۷- حریم خصوصی در اماکن تجاری، مسکونی و اداری تفاوت دارد این تفاوت نیز ناشی از مقتضای اماکن مذکور است. با جابه‌جایی صاحبان حریم‌های مذکور حریم آنها از بین نخواهد رفت.

۸- حریم خصوصی مادی چون وابسته به مکان است قابل معامله و مبادله نیست و موضوع مبادله یا معامله آن در بحث حقوق ارتفاقی یا انتفاعی قابل بررسی است.

۹- حریم خصوصی بدون صاحب معنایی ندارد. زیرا حقوق اماکن و املاک و محدوده‌ها حقوق صاحبان آنها هستند و هرگاه کسی به حریم خصوصی اماکن فاقد مالک یا مدعی پا گذارد کسی به‌عنوان معترض وجود نخواهد داشت تا به اعتراض برخاسته و ادعای حق

بند دوم: حریم خصوصی معنوی^{۱۷}:

حریم خصوصی معنوی دارای خصوصیات به شرح ذیل می باشد:

۱- حریم خصوصی معنوی وابسته و قائم به شخص است و همیشه همراه اوست بدین معنا که همراه شخصیت و ایده‌های اوست حتی اگر تجسم مادی یافته و نزد او نباشد مانند یک دفترچه یادداشت خاطرات یا نامه

^{۱۷} -زراعت، پیشین، ص ۲۸۵.

حمایت از حریم خصوصی اشخاص در دادرسی های کیفری و حقوقی ایران با تأکید بر رویه قضایی: محسن کاتوزیان و شیدا نگارنده
خصوصی. معمولاً با از بین رفتن شخص حریم خصوصی معنوی او نیز موضوعیت نخواهد داشت. زیرا حریم خصوصی معنوی به اعتبار شخص انسان اعتبار دارد.

۲- اغلب حریم خصوصی معنوی جزو خواسته‌ها و علایق ذهنی شخص است و تابعی از ایده‌ها و گرایشات و آرمان‌های خصوصی افراد است. به همین خاطر امری که نزد هیچ شخص دیگری ارزشی نداشته یا اصولاً قابل توجه نیست ممکن است نزد دیگری به علت علایق، خواسته‌ها و ایده‌های او بسیار مهم و با ارزش و خصوصی تلقی شود. بنابراین ارزش حریم خصوصی معنوی کاملاً نسبی و متفاوت است.

۳- حریم خصوصی معنوی اغلب جنبه سری و محرمانه دارد تا جایی که در زندگی اجتماعی ما این دو مساوی هم فرض می‌شوند اگر چه حریم خصوصی معنوی الزاماً ممکن است محرمانه نباشد با این وصف دارای حدود و چارچوب معینی باشد که شخص آن را حریم خود می‌داند.

۴- افراد برای حفاظت از حریم خصوصی معنوی نیاز به توجیه ندارند. برخلاف حریم خصوصی مادی که توجیه قانونی و عرفی آن لازم می‌آید. در حریم خصوصی معنوی لازم نیست دیگران قانع یا برای آن توجیه شوند. بلکه به صرف برخورد حدود آن باید توسط دیگران مراعات شود.

۵- حریم خصوصی معنوی چون قائم به شخص است قابل توارث نیست. ورثه قانونی شخص اگر از اعتبار یا آثار بجامانده از مورث خود ذیحق باشند اما حریم خصوصی معنوی او را به ارث نمی‌برند. بنابراین گشودن نامه‌های خصوصی مورث تجاوز به حریم خصوصی وارث نیست.

۶- محدوده حریم خصوصی معنوی تابعی از فرهنگ، اخلاق و عرف‌های متغیر اجتماعی است و در دوره‌های گوناگون زندگی و در نسل‌های مختلف قرائت‌های گوناگونی از آن به عمل می‌آید و ممکن است یک شخص در طول زندگی خود با تغییراتی در مفهوم حریم خصوصی خود مواجه شود.

۷- حریم خصوصی معنوی با اراده و خواست صاحب آن از بین می‌رود. زیرا تعیین آن توسط خود او صورت گرفته و دیگران نیز ملزم به مراعات آن شده‌اند و با اعلام او هم از بین خواهد رفت یا برعکس دامنه محدوده آن گسترش خواهد یافت.

۸- حریم خصوصی معنوی اشخاص در مقابل قوای حاکم اگر چه آسیب‌پذیرتر است زیرا حمایت قانونی از آن کم‌رنگ است مع الوصف و اغلب از نظارت و دید قوای حاکم به دور است به همین خاطر نیز همیشه حریم خصوصی معنوی هدف مقامات حاکمه قرار می‌گیرند.

فصل دوم: حریم خصوصی در دعاوی حقوقی در حقوق ایران:

حریم خصوصی، از موضوعات بنیادین حقوق بشری و یکی از مفاهیم نظام‌های حقوقی توسعه یافته است که ارتباط بسیار نزدیکی با کرامت انسان‌ها دارد، بنابراین پشتیبانی و حمایت از شخصیت افراد و حقوق شهروندان، نیازمند حمایت از حریم خصوصی است. در نظام حقوقی ایران، حریم خصوصی به صورت مشخص و معنون حمایت نشده و در واقع، موضع حقوق موضوعه ایران در مواجهه با حریم خصوصی، تحویل‌گرایانه است

مبحث اول: مصادیق حریم خصوصی در جمهوری اسلامی ایران از باب خانواده و متعلقات آن :

مصادیق حریم خصوصی در این به شرح زیر می باشد :

گفتار اول: خانواده:**بند اول: مفهوم خانواده**

خانواده در قانون مدنی و دیگر قوانین ایران تعریف نشده است ولی با توجه به مقررات مختلف می توان برای آن یک معنی عام و یک معنی خاص قایل شد. خانواده به معنی عام یا خانواده گسترده عبارت از گروهی است مرکب از شخص و خویشان نسبی و همسر او، [یعنی] گروهی که از یکدیگر ارث می برند. مواد ۸۶۲ و ۱۰۳۲ قانون مدنی که از طبقات اقرباء نسبی را بیان می کند ناظر به اعضای خانواده بدین معنی است^{۱۸}.

ضابطه این خانواده همان ارث بردن از یکدیگر است.... خانواده به معنی خاص یا خانواده هسته ای عبارت از زن و شوهر و فرزندان تحت سرپرستی آنهاست که معمولاً با هم زندگی می کنند و تحت ریاست شوهر و پدر هستند. لیکن کتاب نهم از جلد دوم قانون مدنی (مواد ۱۱۹۵ تا ۱۲۰۶) که دارای عنوان « در خانواده» است ظاهراً این کلمه را به معنی دیگری به کار برده است. این کتاب که تنها دارای یک فصل زیر عنوان « الزام به انفاق» است و شامل ۱۲ ماده است به نفقه اختصاص داده شده است. بنابر این به نظر می رسد که مقصود از خانواده در عنوان این کتاب گروه مرکب از خویشانی است که بین آنها الزام به انفاق وجود دارد، پس خانواده بدین معنی شامل شخص و زوجه و خویشان نسبی خط مستقیم است و اقرباء خط اطراف از خانواده به این معنی خارج هستند.» در نظام حقوقی ایران تنها خانواده ای مشمول حمایت است که در نتیجه عقد نکاح شکل گرفته است. مع الوصف « نکاح» در نظام حقوقی ایران دارای شرایطی است که تحقق یا نفوذ نکاح منوط به وجود آنهاست. یکی از مهمترین شرایط اختلاف جنس است و نکاح بین دو همجنس نمی تواند تحقق پیدا کند. به علاوه، مواد ۱۰۵۹، ۱۰۲۵۹، ۱۱۲۲، ۱۰۶۷، ۱۱۲۴ نشانگر آن است که نکاح فقط بین زن و مرد امکان پذیر است، هر چند که ماده صریحی بر بطلان نکاح دو همجنس وجود ندارد.

بند دوم: نگاهی به دو مفهوم اولاد و نسب :**الف) اولاد :**

اولاد، جمع ولد، به معنی فرزند است. این کلمه به دو مفهوم عام و خاص به کار می رود: بمعنی عام شامل تمام کسانی است که از نسل شخص به طور مستقیم به وجود آمده اند، خواه بی واسطه یا باواسطه. در این معنی، نواده های شخص نیز، هر اندازه پایین برود، در زمره اولاد است. اما، به معنی خاص، به کسانی گفته می شود که بی واسطه از نسل شخص به وجود آمده اند. در کتاب هشتم قانون مدنی کلمه « اولاد» به معنی خاص آن بکار رفته است^{۱۹}. زیرا، جز در مورد انفاق اقارب و ولایت جد پدری، مقصود تنظیم روابط پدر و مادر و فرزندان ایشان در خانواده است. نکته دیگری را که در باره معنی خاص اولاد باید افزود این است که، در

^{۱۸} - صفایی، حسین، ۱۳۹۱، حقوق خانواده، چاپ سی و دوم، تهران، انتشارات میزان، ص ۴۸.

^{۱۹} - شیروانی، عبدالحسین، ۱۳۹۵، حقوق خانواده، چاپ دوم، تهران، انتشارات سمت، ص ۵۶.

حمایت از حریم خصوصی اشخاص در دادرسی های کیفری و حقوقی ایران با تأکید بر رویه قضایی: محسن کاتوزیان و شیدا نگارنده

قانون مدنی و فقه « اولاد» به اطفالی گفته می شود که دارای نسب مشروع هستند و قانون آنان را وابسته به پدر و مادر یا هر دو می داند. کودکانی که دارای نسب مشروع نیستند با پدر و مادر طبیعی خود نسبتی ندارند و نمی توان آنها را « ولد» یا فرزند نامید .

(ب) نسب:

نسب در لغت به معنی نژاد و اصل و خویشاوندی است، ولی در کتاب هشتم قانون مدنی یکی از عنوان های فرعی اولاد است و به همین قرینه در تعریف آن می توان گفت: « رابطه خونی و حقوقی است که پدر و مادر را به فرزندان آنان مربوط می کند.» به این اعتبار ، نسب به معنی « رابطه پدر و فرزند یا « مادر و فرزند» است و شامل خویشان در خط اطراف نمی شود .

بند سوم: شرایط تحقق نسب^{۲۰}:

در نظام حقوقی ایران برای تحقق نسب سه شرط لازم است که عبارتند از :

۱- لزوم وجود رابطه زن و شوهری

۲- وقوع نزدیکی و ارتباط کودک به آن

۳- وقوع نزدیکی بعد از نکاح

الف) لزوم وجود رابطه زن و شوهری:

در نظام حقوقی ایران نکاح تنها منبع خانواده است و نسب مشروع نیز به طور معمول در صورتی تحقق می یابد که پدر و مادر طبیعی کودک زن و شوهر باشند. در خانواده ایرانی ، پدر و مادر کودکی را که نسب او مورد گفتگو است نکاح به هم مربوط می سازد. لزوم همین پیوند زناشویی سبب می شود که نتوان نسب پدری را از نسب مادری جدا کرد : بدین ترتیب ، کودکی فرزند مشروع زن است که فرزند شوهر او هم می باشد .

همچنین ، نسب مشروع طفل به مرد در صورتی تحقق می یابد که آن طفل فرزند همسر او نیز بشمار آید. قانون مدنی، به پیروی از حقوق اسلام، طفلی را که از رابطه آزاد زن و مرد بوجود آمده است منسوب به هیچکدام نمی داند. چنین کودکی عضو خانواده نیست، از نام پدر و مادر استفاده نمی کند، از آنان میراث نمی برد و به عنوان فرزند حقی بر پدر و مادر طبیعی ندارد. این سخت گیری مکافات تجاوز پدر و مادر از نظام حقوقی جامعه است، و گرنه تردید نیست که طفل بیگناه را نباید آزد و از مزایای زندگی در خانواده محروم کرد .

با این وجود، هر گاه زن و مردی به این پندار که با هم زن و شوهرند نزدیکی کنند، با این که رابطه زوجیت بین آنان وجود ندارد و این اقدام را نمی توان مشروع پنداشت، قانونگذار نسب ناشی از این رابطه را در حکم نسب مشروع شناخته است.

^{۲۰}- شیروانی، پیشین، ص ۱۲۱.

ب) لزوم نزدیکی :

برای اینکه کودک منسوب به پدر و مادر خود شود، وقوع ازدواج بین آنان کافی نیست. آنچه از نظر طبیعی و خونی باعث رابطه پدر و فرزندی یا مادر و فرزندی می شود، نزدیکی آن دو و انعقاد نطفه طفل است. نکاح شرط مشروع نسب است و در صورتی موثر واقع می شود که سبب اصلی (نزدیکی) رخ داده باشد. بنابر این، هر گاه دختر و پسری مدتها زن و شوهر باشند، ولی بعثت دوری از یکدیگر یا بیماری و اختلافات خانوادگی نزدیکی بین آنان واقع نشود، طفلی را که زن زائیده است نمی توان به این خانواده منسوب کرد.

ج) لزوم انتساب طفل به نزدیکی بعد از نکاح :

برای مشروع شناختن نسب طفل، کافی نیست که پدر و مادر او زن و شوهر باشد و بین آنان نزدیکی واقع شده باشد. باید انعقاد نطفه کودک در دوران زناشویی انجام شود و تنها در این صورت است که می توان رابطه جنسی زن و مرد و نسب کودک ناشی از آن را مشروع دانست. عقد نکاح، مانند هر پدیده طبیعی و حقوقی دیگر، در آینده اثر دارد ولی رابطه نامشروع پیش از آن را تصحیح نمی کند. بنابر این، هر گاه دختر و پسری پیش از ازدواج با هم رابطه جنسی داشته باشند، کودکی که در اثر آن رابطه بوجود آمده است فرزند مشروع آنان محسوب نمی شود، هر چند که پس از ازدواج نیز او را به فرزندی پذیرفته باشند.

بند چهارم : نسب طفل ناشی از تلقیح مصنوعی :

در صورتی که زنی در اثر تلقیح عمدی نطفه مرد بیگانه به خود آبستن شود، نسب چنین طفلی نه به پدر منسوب است نه به مادر. زیرا، قطع نظر از چگونگی آبستن شدن زن، شرایط لازم برای تحقق نسب مشروع در این حالت جمع نیست. اقدام چنین زن و مردی را به طور مسلم نمی توان زنا شمرد، زیرا هیچگونه رابطه جنسی با یکدیگر نداشته اند .

ولی، آنچه سبب انتساب طفل به پدر و مادر می شود، رابطه زوجیت بین آنان یا اعتقاد به وجود چنین رابطه ای است. بنابر این در هر مورد که این عامل اصلی وجود نداشته باشد، خواه دلیل آبستنی زن نزدیکی نامشروع (زنا) باشد یا سایر تماس های بدنی (مانند تفخیز) یا تلقیح مصنوعی باید نسب را نامشروع دانست و، برعکس، در هر جا که رابطه زناشویی یا شبهه محقق باشد، به هر وسیله ای که زن آبستن شود، نسب مشروع است .

بند پنجم : حیات خانوادگی پس از انحلال نکاح^{۲۱}:

انحلال نکاح عبارت از انقطاع و از میان رفتن رابطه زناشویی است که علل مختلف می تواند داشته باشد. ماده ۱۱۲۰ قانون مدنی در این باره می گوید عقد نکاح به فسخ یا به طلاق یا به بذل مدت در عقد انقطاع منحل می شود. این ماده از فوت سخنی نگفته است ولی شک نیست که فوت یکی از زوجین نیز موجب انحلال نکاح است و شاید بدیهی بودن مطلب سبب شده که قانونگذار در ماده ۱۱۲۰ از آن یاد نکند. همچنین انقضاء مدت که یکی از موجبات انحلال نکاح منقطع است در این ماده ذکر نشده است، هر چند که ماده ۱۱۳۹ از آن نیز یاد کرده است. به هر حال، علل انحلال نکاح دائم فوت و فسخ نکاح و طلاق است. البته

^{۲۱} -محقق داماد، مصطفی، ۱۳۸۴، بررسی فقهی حقوق خانواده، تهران، انتشارات نشر علوم اسلامی، ص ۲۴۵.

حمایت از حریم خصوصی اشخاص در دادرسی های کیفری و حقوقی ایران با تأکید بر رویه قضایی : محسن کاتوزیان و شیدا نگارنده
فوت و فسخ اختصاص به نکاح دائم ندارد و در نکاح منقطع نیز موجب انحلال است . لیکن طلاق ویژه نکاح دائم است .

برخی از حقوقدانان معتقدند که فسخ در ماده ۱۱۲۰ شامل انفساخ یعنی انحلال و برهم خوردن نکاح به یک علت قانونی بدون اراده زوج یا زوجه نیز می شود. بنابر این لغات یا ارتداد زوج که موجب انفساخ نکاح است مشمول ماده ۱۱۲۰ خواهد بود^{۲۲} .

اما بحث اصلی ما بررسی وضعیت حیات خانوادگی پس از انحلال نکاح است. در این راستا ما تنها به وضعیت حیات خانوادگی پس از انحلال نکاح بوسیله طلاق را مورد بررسی قرار می دهیم. چرا فوت یکی از زوجین جز در مورد عده ، حکم خاصی ندارد و چون کفر و لعان در زمره موانع نکاح است، جای بحث آن در این جانیست .

برای اینکه کودک منسوب به پدر و مادر خود شود، وقوع ازدواج بین آنان کافی نیست. آنچه از نظر طبیعی و خونی باعث رابطه پدر و فرزندی یا مادر و فرزندی می شود، نزدیکی آن دو و انعقاد نطفه طفل است. نکاح شرط مشروع نسب است و در صورتی موثر واقع می شود که سبب اصلی (نزدیکی) رخ داده باشد. بنابر این، هر گاه دختر و پسری مدتها زن و شوهر باشند، ولی بعلت دوری از یکدیگر یا بیماری و اختلافات خانوادگی نزدیکی بین آنان واقع نشود، طفلی را که زن زائیده است نمی توان به این خانواده منسوب کرد^{۲۳} .

ج) لزوم انتساب طفل به نزدیکی بعد از نکاح :

برای مشروع شناختن نسب طفل ، کافی نیست که پدر و مادر او زن و شوهر باشد و بین آنان نزدیکی واقع شده باشد. باید انعقاد نطفه کودک در دوران زناشویی انجام شود و تنها در این صورت است که می توان رابطه جنسی زن و مرد و نسب کودک ناشی از آن را مشروع دانست. عقد نکاح، مانند هر پدیده طبیعی و حقوقی دیگر، در آینده اثر دارد ولی رابطه نامشروع پیش از آن را تصحیح نمی کند. بنابر این، هر گاه دختر و پسری پیش از ازدواج با هم رابطه جنسی داشته باشند، کودکی که در اثر آن رابطه بوجود آمده است فرزند مشروع آنان محسوب نمی شود، هر چند که پس از ازدواج نیز او را به فرزندی پذیرفته باشند.

گفتار دوم : خانه:

تعریفی که در بخش قبل از خانه کردیم همخوانی با مفهوم اقامتگاه در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران دارد. لذا ما در مقام تطبیق بحث خود را با اقامتگاه شروع می کنیم :

بند اول: اقامتگاه :

در نظام حقوقی ما اقامتگاه طبق ماده ۱۰۰۲ قانون مدنی محلی است که شخص در آنجا سکونت داشته و مرکز مهم امور او نیز آنجا باشد. اگر محل سکونت شخصی غیر از مرکز مهم امور او باشد، مرکز مهم امور او اقامتگاه محسوب است^{۲۴} . اقامتگاه اشخاص حقوقی مرکز عملیات آنها خواهد بود. بنابر این در حقوق

^{۲۲} - کاتوزیان، ناصر، ۱۳۹۴، قانون مدنی در نظم حقوق کنونی، تهران، انتشارات میزان، ص ۴۲۵.

^{۲۳} - شیروانی، پیشین، ص ۹۸.

^{۲۴} - جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ۱۳۹۱، ترمینولوژی حقوق، چاپ ۲۸، تهران، انتشارات گنج دانش، ص ۳۱۷.

ایران، اقامتگاه شخص مرکز مهم امور اوست. اما ممکن است شخص در محلی سکنی داشته، ولی مرکز مهم او در جای دیگری باشد، در این صورت اقامتگاه او محلی است که مرکز مهم امور او در آنجاست. با این وجود، چنانکه از ماده ۱۰۰۲ قانون مدنی بر می آید، اصولاً محل سکونای شخص مرکز مهم امور و اقامتگاه او فرض می شود، مگر این که خلاف آن ثابت شود. قانونگذار در رابطه با اقامتگاه اصل و وحدت اقامتگاه را مورد پذیرش قرار داده است بدین نحو که «هیچ کس نمی تواند بیش از یک اقامتگاه داشته باشد».

بند دوم - اقسام اقامتگاه

در نظام حقوقی ایران اصل بر آنست که هر شخص می تواند با اراده و اختیار خود اقامتگاهی را انتخاب نماید. طبق اصل سی و سوم قانون اساسی: هیچکس را نمی توان از محل اقامت خود تبعید کرد یا از اقامت در محل مورد علاقه اش ممنوع یا به اقامت در محلی مجبور ساخت، مگر در مواردی که قانون مقرر می کند. براین اساس اقامتگاه در نظام حقوقی ایران را می توان به سه قسم تقسیم کرد: قسم اول، اقامتگاه اختیاری یا ارادی است. اقامتگاه اختیاری یا ارادی جایی است که شخص به میل و اراده و اختیار خود به عنوان محل سکنی و مرکز مهم امور خویش انتخاب می کند و اگر مرکز مهم امور، غیر از محل سکونت انتخابی شخص باشد، اقامتگاه او مرکز مهم امور اوست. ناگفته نماند که تغییر اقامتگاه بوسیله سکونت حقیقی در محل دیگر بعمل می آید مشروط بر این که مرکز مهم امور او نیز بهمان محل انتقال یافته باشد. در اقامتگاه اجباری که قسم دوم اقامتگاه است اراده شخص هیچ گونه دخالتی در انتخاب آن ندارد.

خود بر ۵ نوع است:

۱- اقامتگاه زن شوهر دار؛

۲- اقامتگاه صغیر یا محجور؛

۳- اقامتگاه مامورین دولت؛

۴- اقامتگاه افراد نظامی؛

۵- اقامتگاه خدمه؛

قسم سوم اقامتگاه اقامتگاه قراردادی نام دارد. طبق ماده ۱۰۱۰ قانون مدنی اگر ضمن معامله یا قراردادی طرفین معامله یا یکی از آنها برای اجرای تعهدات حاصله از آن محلی غیر از اقامتگاه حقیقی خود انتخاب کرده باشد نسبت به دعاوی راجعه به آن معامله، همان محلی که انتخاب شده است اقامتگاه او محسوب خواهد شد و همچنین است در صورتی که برای ابلاغ اوراق دعوی و احضار و اخطار محلی را غیر از اقامتگاه حقیقی خود معین کند.^{۲۵}

^{۲۵} - کاتوزیان، پیشین، ص ۲۵۱.

بند سوم - صیانت از خانه در مقابل ایراد خسارت

الف - اتلاف و تسبیب:

چنانچه شخصی مال غیر را تلف کند ضامن آنست و در این رابطه مکلف است که مثل یا قیمت آنرا بدهد خواه از روی عمد تلف کرده باشد یا بدون عمد .

در همین راستا اگر شخصی خانه یا بنای شخص دیگری را خراب کند باید آنرا به شکل صورت اول بنا نماید و الا مکلف است که قیمت آنرا بپردازد. در این خصوص برای آنکه برای فاعل مسئولیت ایجاد کرد لازم نیست که تقصیر او احراز شود بلکه همین که میان کار شخص و تلف ایجاد شده رابطه علیت عرفی وجود داشته باشد کفایت می کند. این را در اصطلاح حقوق ما اتلاف می نامند^{۲۶}.

البته لازم نیست که خسارت در اثر عمل مستقیم شخص وارد آید بلکه چنانچه شخصی سبب تلف مالی بشود ملزم است که مثل یا قیمت آنرا بدهد و اگر سبب نقص یا عیب آن شود باید از عهده نقص قیمت آن برآید. بعلاوه صاحب دیوار یا عمارت..... مسئول خساراتی است که از خراب شدن آن وارد می شود مشروط براینکه خرابی در نتیجه عیبی حاصل گردد که مالک مطلع بر آن بوده یا از عدم مواظبت او تولید شده است. در واقع مسئولیت شخص از این لحاظ، از باب « تسبیب » است .

ب) اعمال دولت و شهرداریها :

مطابق ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی کارمندان دولت و شهرداری و موسسات وابسته به آنها که به مناسبت انجام وظیفه عمداً یا در نتیجه بی احتیاطی خسارتی به اشخاص وارد نمایند شخصاً مسئول جبران خسارت وارده می باشند.... به این ترتیب، کارمند دولت و شهرداری به انواع کارهای مهم با استفاده از اقتدار عمومی، دست می زند، ولی خود به تنهایی مسئول است و اگر استطاعت جبران خسارت را نداشته باشد ضرری که به بار آمده است جبران نشده باقی می ماند. اما..... هرگاه خسارت وارده مستند به عمل آنان نبوده و مربوط به نقص وسایل ادارات و موسسات مزبور باشد، در این صورت جبران خسارت برعهده اداره یا موسسه مربوطه است.... با این حال در این موارد هم این مشکل همچنان باقی خواهد ماند که به روشنی نمی توان خساراتی که از تصمیم های شخصی کارمندان به بار آمده است را از ضررهای ناشی از نقص وسایل اداری باز شناخت^{۲۷}.

با این همه، قانون مسئولیت مدنی، تضمینات کافی در اختیار افراد در مقابل ضررهایی که در اثر اعمال حاکمیت دولت به خانه آنها وارد می شود بدست نمی دهد. مطابق قسمت اخیر ماده ۱۱ این قانون : ولی در مورد اعمال حاکمیت دولت هرگاه اقداماتی که برحسب ضرورت برای تامین منافع اجتماعی طبق قانون بعمل می آید و موجب ضرر دیگری شود دولت مجبور به پرداخت خسارت نخواهد بود .

خلاصه آنکه چنانچه در اثر اتلاف یا تسبیب افراد خصوصی یا اعمال کارمندان دولت و شهرداریها و موسسات وابسته به آنها خساراتی متوجه اقامتگاه یک شخص شود، این خسارت بدون جبران باقی نمی ماند. از لحاظ کیفری هم چنانچه کسی از روی عمد عمارت یا بنا یا کشتی یا هواپیما یا کارخانه یا انبار و بطور کلی

^{۲۶} - آخوندی، محمود، ۱۳۷۹، آیین دادرسی کیفری، جلد ۴، قم، انتشارات دانش قم، ص ۸۴.

^{۲۷} - صالح خرسند، هادی، ۱۳۸۵، قانون مجازات اسلامی، تهران، انتشارات جمال الحق، ص ۱۶۰.

هر محل مسکونی یا محلی که معد برای سکنی متعلق به غیر را آتش بزند به حبس از ۲ تا ۵ سال محکوم می شود و چنانچه عمداً اشیای غیر منقول متعلق به غیر را تخریب نماید یا به هر نحو کلاً یا بعضاً تلف نماید به حبس از ۶ ماه تا ۳ سال محکوم می شود .

بند چهارم - هتک حرمت منازل و املاک غیر^{۲۸}:

چنانچه شخصی حرمت منزل یا ملک متعلق به غیر را هتک کند از لحاظ کیفری عمل او دارای وصف مجرمانه است. مطابق مفاد ماده ۶۹۱ قانون مجازات اسلامی چنانچه فردی از روی قهر و غلبه داخل ملکی که در تصرف دیگری است شود علاوه بر رفع تجاوز حسب مورد به ۱ تا ۶ ماه حبس محکوم می شود .

در این خصوص لازم نیست که ملک محصور باشد و این حکم در مورد املاک غیر محصور هم مجری می باشد. بعلاوه چنانچه ورود شخصی به ملکی که در تصرف دیگری است به قهر و غلبه نبوده، اما پس از اخطار متصرف، بر بقاء خود به قهر و غلبه اصرار ورزد به همین شکل خواهد بود. در مواردی هم که تعداد مرتکبین دونفر یا بیشتر بوده و لااقل یکی از آنها دارای سلاح باشد مجازات شدت یافته و به حبس از ۱ تا ۳ سال محکوم خواهد شد .

بند پنجم - املاک مجاور :

یکی از چیزهائی که عموماً در شهرها فاصله بین دو ملک قرار می گیرد دیوار است. دیوار گاه اختصاصی است و گاه مشترک . همانند دیوار، مبنا و قسمتی از زمین که دیوار بر آن ساخته شده است هم گاه اختصاصی و گاه مشترک است. در مواردی که اختصاص یا اشتراکی بودن دیوار معلوم نباشد ممکن است اختلافی بین طرفین ایجاد شود. در این خصوص ماده ۱۰۹ قانون مدنی یک اصل کلی را مقرر میدارد . بدین ترتیب که دیواری که مابین دو ملک واقع است مشترک مابین صاحب آن دو ملک محسوب می شود مگر این که قرینه یا دلیلی برخلاف آن موجود باشد. قرائن فنی که اختصاص بودن دیوار فاصل را می رساند عبارتند از :

بنا به شکل ترصیف، وضع سرتیر، طاقچه ورف چنانچه قرائن اختصاصی فقط از یک طرف باشد، همه دیوار متعلق به صاحب آن طرف می باشد، اما اگر قرائن مزبور از هر دو طرف باشد، دیوار محکوم با اشتراک بین دو مالک مجاور خواهد بود..... زیرا دو مالک به تساوی از دیوار منتفع شده و در آن متصرف هستند. درخت، حفیره، نرده و امثال آن نیز ممکن است فاصل بین دو ملک قرار گیرد؛ در این صورت آنها در حکم دیوار مابین خواهند بود^{۲۹} .

بند ششم - تصرفات شرکاء :

تصرفات مادی که هر یک از شرکاء در ملک مشترک می نماید بر دونوع است: اول، تصرفاتی که وضعیت دیوار تغییر می دهد و دوم، تصرفاتی که وضعیت دیوار را تغییر نمی دهد. تصرفات نوع اول بدون اذن شریک یا شرکاء دیگر جایز نیست^{۳۰} .

^{۲۸} - امامی، سید حسن، ۱۳۸۴، حقوق مدنی، ج ۱، تهران، اسلامیه، ص ۱۲۱

^{۲۹} - امامی، پیشین، ص ۱۳۱.

^{۳۰} - کاتوزیان، ناصر، ۱۳۸۰، اموال و مالکیت، تهران، انتشارات دادگستر، ص ۱۳۰.

اما تصرفات نوع دوم احتیاج به اجازه شریک ندارد، چنانکه شخص می تواند از روی دیوار به پشت بام خود رفته برف آنرا پائین بریزد. به هر حال اگر صاحب دیوار به همسایه اذن دهد که بر روی دیوار او سرتیری بگذارد، یا روی آن بنا کند هر وقت بخواهد می تواند از اذن خود رجوع کند، مگر آنکه بوجه ملزومی این حق را از خود سلب کرده باشد. به علاوه هر گاه کسی باذن صاحب دیوار بر روی دیوار سرتیری گذارده باشد و بعد آنرا بردارد، نمی تواند مجدداً بگذارد مگر باذن جدید از صاحب دیوار و همچنین است سایر تصرفات همچنین اگر خانه یا زمینی بین دونفر تقسیم شود یکی از آنها نمی تواند دیگری را مجبور کند که با هم دیواری مابین دو قسمت بکشند زیرا این اجبار به این امر تجاوز به آزادی عمل مالک در تصرفات اوست .

در مواردی که حد فاصل بین دو ملک دیوار مشترکی باشد مخارج این دیوار بر عهده مالکان مشترک آنست. با این حال چنانچه دیوار مشترک خراب شود هیچیک از شرکا نمی تواند دیگری را اجبار بر بنا و تعمیر دیوار مشترک نماید مگر این که دفع ضرر بنحو دیگری ممکن نباشد. منتها اگر دیوار مشترک خراب شود شریک دیگر حق دارد در حصه خاص خود تجدید بنا کند .

بند هفتم - حریم طبقات یک ساختمان :

ممکن است ساختمانی که دارای چند طبقه است ملک دو یا چند نفر بطور مشاع باشد، البته احتمال هم دارد که به طور مفروز هر طبقه متعلق به یک نفر باشد. قانون مدنی در مواد ۱۲۵ و ۱۲۶ و ۱۲۷ ، حدود هر یک از طبقات را معین می نماید، در صورتیکه طبقه تحتانی متعلق به یکی و طبقه فوقانی ملک دیگری باشد، چون مالک طبقه تحتانی نسبت به دیوارهای اطاق خود و صاحب طبقه فوقانی نسبت به دیوارهای غرفه خود متصرف می باشند، هر یک نسبت به آنچه در تصرف دارد مالک شناخته می شود و میتواند در حصه اختصاصی خود به طور متعارف تصرف کند. مانند آنکه سیم تلفن و برق و گاز بکشد. اما از آنجا که هر یک از مالکین طبقه فوقانی و تحتانی متصرف در سقف بین دو طبقه می باشند، سقف مشترک و مشاع بین آن دو شناخته می شود. همچنین پله غرفه فوقانی اگر چه در طبقه تحتانی قرار گرفته است، ولی چون برای استفاده طبقه فوقانی می باشد و منحصراً در رفت و آمد طبقه مزبور بکار می رود، در تصرف مالک طبقه فوقانی و ملک اختصاصی او شناخته می شود، مگر این که خلاف آن ثابت شود، زیرا ممکن است پله مزبور ملک طبقه تحتانی و مالک طبقه فوقانی فقط حق عبور از آن داشته باشد .

بند هشتم - صیانت از خانه در مقابل مزاحمت ها :

به عنوان یک قاعده کلی در نظام حقوقی ایران باید گفت که هیچ کس نمی تواند اعمال حق خویش را وسیله اضرار به غیر یا تجاوز به منافع عمومی قرار دهد. بنابر این کسی نمیتواند در ملک خود تصرفی کند که مستلزم تضرر همسایه شود مگر تصرفی که بقدر متعارف و برای رفع حاجت یا رفع ضرر از خود باشد. مثل این که خانه خود را به فضای خانه همسایه بدون اذن او خروجی بدهد و اگر بدون اذن خروجی بدهد ملزم به رفع آن خواهد بود. بعلاوه کسی نمی تواند از دیوار خانه خود به خانه همسایه در باز کند، اگر چه دیوار ملک مختص به او باشد لیکن می تواند از دیوار مختص خود روزنه یا شبکه باز کند و همسایه حق منع او را ندارد ولی همسایه هم می تواند جلو روزنه و شبکه دیوار بکشد یا پرده بیاویزد که مانع رؤیت شود. نهایتاً اگر شاخه درخت کسی داخل در فضای خانه یا زمین همسایه شود از آنجا عطف کند و اگر نکرد همسایه میتواند آن را

عطف کند و اگر نشد از خد خانه خود قطع کند و همچنین است حکم ریشه های درخت که داخل ملک غیر می شود .

گفتار سوم - مرسولات:

بنداول - حراست از امنیت مرسولات

حکم کلی حراست از امنیت مرسولات در اصل ۲۵ قانون اساسی آمده است بدین شرح که : بازرسی و نرساندن نامه ها، ضبط و فاش کردن مکالمات تلفنی ، افشای مخابرات تلگرافی و تلکس، سانسور، عدم مخابره و نرساندن آنها، استراق سمع و هر گونه تجسس ممنوع است مگر به حکم قانون . جهت تحقق این هدف وفق ماده ۵۸۲ قانون مجازات اسلامی هر یک از مستخدمین و مامورین دولتی مراسلات یا مخابرات یا مکالمات تلفنی اشخاص را در غیر مواردی که قانون اجازه داده حسب مورد مفتوح یا توقیف یا معدوم یا بازرسی یا ضبط یا استراق سمع نماید یا بدون اجازه صاحبان آنها مطلب آنها را افشاء نماید به حبس از یک سال تا سه سال و یا جزای نقدی از شش تا هجده میلیون ریال محکوم خواهد شد^{۳۱} .

در فرآیند دادرسی هم چنانچه ملاحظه ، تفتیش و بازرسی مراسلات پستی ، مخابراتی صوتی و تصویری مربوط به متهم برای کشف جرم لازم باشد کسب مجوز از مراجع قضایی لازم است. در این راستا قاضی به مراجع ذی ربط اطلاع می دهد که اشیاء فوق را در حضور متهم ارائه کرده و مراتب را در صورت مجلس قید نموده و پس از امضاء متهم آن را در پرونده ضبط می نماید.... چنانچه اشیاء مزبور حایز اهمیت نبوده و ضبط آنها ضرورت نداشته باشد با اخذ رسید به صاحبش مسترد می شود .

کنترل تلفن اشخاص هم اصولاً مجاز نیست مگر آنکه کنترل تلفن در رابطه با موردی باشد که به امنیت کشور ربط داشته باشد با این که جهت احقاق حقوق اشخاص به نظر قاضی لازم و ضروری تشخیص داده شود .

بند دوم - حقوق زندانیان :

حقوق زندانیان نسبت به مرسولات خود به تفصیل در آئین نامه اجرایی سازمان زندان ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور مصوب ۸۴/۹/۲۳ آمده است. فصل دوم این آیین نامه تحت عنوان ارسال مراسله های پستی حقوق زندانیان را در این زمینه مقرر کرده است .

اصولاً مبادله نامه و اشیاء مجاز نیاز به اجازه رئیس زندان یا نماینده وی دارد و بدون کسب چنین اجازه ای رد و بدل کردن نامه و اشیاء مجاز مطلقاً ممنوع می باشد. از لحاظ مکاتبه و ارسال نامه زندانیان بر دو قسم اند^{۳۲} :

- ۱- زندانیان (متهم یا محکوم) که ممنوع الملاقات نمی باشند .
- ۲- زندانیان (متهم یا محکوم) که ممنوع الملاقات می باشند .

^{۳۱} - اسکندری، مصطفی، ۱۳۹۰، ماهیت و اهمیت حریم خصوصی، فصلنامه حکومت اسلامی، شماره ۵۸، ص ۳۲.

^{۳۲} - طبسی، نجم الدین، ۱۳۸۲، حقوق زندانی و موارد زندان در اسلام، قم، انتشارات بوستان قم، ص ۳۱۱.

دسته اول می توانند هفته ای دوبار برای همسر و فرزندان ، والدین ، وکیل رسمی و یا به دیگر بستگان، دوستان و مقامهای قضایی و ماهی یک بار برای مقامات رسمی کشور، با رعایت موازین شرعی وقانونی نامه بنویسند .

اما نحوه نامه نگاری زندانیان دسته دوم اندکی متفاوت است. این قبیل زندانیان اولاً با اجازه دادستان یا مقام قضایی رسیدگی کننده نامه ارسال کنند، ثانیاً، نامه های آنها فقط برای خانواده و وکیل رسمی آنها ممکن می باشد .

مع الوصف، در مواقع ضروری و فوق العاده زندانی می تواند با اجازه قاضی ناظر یا رئیس زندان بیشتر از حد مقرر با بستگان خود یا مقامات ذیصلاح قانونی یا کسانی که به نوعی در تعلیم و تربیت و حل مشکلات وی صالح وموثر باشند مکاتبه نمایند .

طبق ماده ۲۰۰ این آیین نامه: نامه های صادر شده و وارد شده محکوم یا متهم باید بوسیله مسئول ارسال نامه های محکومان که از میان ماموران مجرب و مورد اعتماد موسسه یا زندان انتخاب می شود به دقت بررسی و مطالعه شده ، پس از امضاء و مهر قسمت ذکر شده به مقصد ارسال می شود .

ماده ۲۰۱ در ادامه نامه هایی را ذکر کرده که ارسال آنها ممنوعه بوده و می بایست به دستور رئیس موسسه یا زندان ضبط شوند. این نامه ها عبارتند از : نامه هایی که نوشته های آن مفسده انگیز یا مخالف با آیین نامه های موسسه زندان یا خلاف نظم و عفت عمومی و اخلاق حسنه بوده یا موجب هتک حرمت اشخاص شود یا متضمن الفاظ رکیک و مستهجن و ناسزا، تهدید و یا تهمت وافترا باشد و همچنین عرض حالهای ناموجه و مکرر در باره موضوع هایی که از پیش مورد رسیدگی قرار گرفته و تهیه و ارسال آنها صرفاً به منظور مزاحمت باشد .

نامه زندانی نمی تواند که محتوی هر موضوعی باشد بلکه متن نامه ضمن آنکه می بایست با خط خوانا و به زبان فارسی باشد، موضوع آن می بایست راجع به بیان حقایق مربوط به اوضاع و احوال خانوادگی و شخصی و جریان دعوا مربوط به نویسنده نامه باشد .

در مواقع ضروری ارتباط تلگرافی یا تلفنی زندانی با اشخاص یا مقامات رسمی با اشخاص یا مقامات رسمی با رعایت مقررات آیین نامه با هزینه شخص وی بلا مانع است .

زندانیانی که تبعه خارجی هستند هم دارای حقوقی می باشند از جمله این که آنها می توانند بوسیله وزارت امور خارجه با نماینده سیاسی و کنسولی خود نامه نگاری کنند، البته نامه های آنها باید طبق مقررات آیین نامه اجرایی مورد بحث بررسی و آنگاه به مقصد ارسال گردد. ناگفته نماند که مکالمه تلفنی زندانیان خارجی با حضور مترجم مورد اعتماد زندان بلامانع است .

در پایان باید این را خاطر نشان سازیم که مرسوله هایی که توسط پست برای متهم یا محکوم فرستاده می شود، توسط ماموران مجرب و مورد اطمینان زندان بازدید و تحویل گرفته می شود؛ چنانچه مرسوله ها در زمره اشیائی باشد که نگهداری آنها دارای وصف مجرمانه است، مراتب ضمن گزارش جهت اتخاذ تصمیم به مقام قضایی صالح اعلام و در صورتی که نگهداری آنها در داخل زندان ممنوع باشد به خانواده متهم یا محکوم بازگردانده شده و یا جزو اموال محکوم تلقی و تا آزادی وی ضبط خواهد شد.

گفتار چهارم - بازرسیها(به لحاظ ماهوی) :

وضعیت بازرسیهای بدنی در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران در حاله ای از ابهام است. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در برخی اصول موازین بسیار کلی را بیان کرده اند. از جمله اصل سی و هفتم که اصل را بر برائت گذاشته است. از سوی دیگر قانون آئین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب (در امور کیفری) مصوب ۷۸/۶/۲۸ که می بایست شرایط و کیفیت بازرسیهای بدنی را مفصلاً بیان کند تنها در فصل سوم از باب اول خود تفتیش و بازرسی منازل و اماکن و کشف آلات و ادوات جرم را بیان کرده است. لاجرم، با توجه به اصول قانون اساسی وقوانین آیین دادرسی (کیفری) و قانون مجازات اسلامی موازین حاکم بر بازرسی منازل و اماکن را مورد اشاره قرار می دهیم .

بند اول - موازین حاکم بر بازرسی منازل واماکن^{۳۳} به لحاظ ماهوی :

طبق اصل بیست و سوم قانون اساسی: ... مسکن و شغل اشخاص - و به تبع آن محل شغل اشخاص - از تعرض مصون است مگر در مواردی که قانون تجویز کند. بدین ترتیب ورود قهری به منازل شهروندان ممنوع و افراد عادی و به طریق اولی ماموران و مقامات قضایی و غیر قضایی مکلفند از هر گونه تجاوزی به مسکن شهروندان اجتناب ورزند، در غیر اینصورت به مجازاتهای مقرر در قانون مجازات اسلامی خواهند رسید. با این همه رعایت حریم زندگی خصوصی شهروندان ، در آنچه مربوط به مسکن آنان می شود، نباید مانع کشف حقیقت در موارد ارتکاب جرم شده و مصونیت مسکن موجب سوء استفاده تبهکاران گردد .

براین اساس ضوابط لازم الرعایه به هنگام ورود و بازرسی منزل را که آیین دادرسی کیفری بر آنها صحه گذاشته است را در بخش پنجم مورد اشاره قرار می دهیم :

در پایان این بحث باید این را هم بیفزاییم که وفق ماده ۵۸۰ قانون مجازات اسلامی هر یک از مستخدمین و مامورین قضایی یا غیرقضایی یا کمی که خدمت دولتی به او ارجاع شده است چنانچه بدون ترتیب قانونی به منزل کسی وارد شود به مجازات حبس از ۱ ماه تا ۱ سال محکوم می شود .

بند دوم - مصونیت اماکن و منازل ماموران سیاسی:

به استناد ماده ۲۲ کنوانسیون وین ناظر به روابط سیاسی کشورها با یکدیگر، که در ۱۸ آوریل ۱۹۶۱ مطابق با ۲۹ فروردین ۱۳۴۰ به امضای نماینده مختار و در ۲۱ مهر ۱۳۴۳ به تصویب قوه مقننه ایران رسیده است: اماکن مأموریت مصونیت دارند و ماموران کشور پذیرنده جز با رضایت رئیس مأموریت حق ورود به این اماکن را نخواهند داشت. ماده ۳۰ قرارداد مذکور محل اقامت خصوص مأمور سیاسی را به اماکن مأموریت تشبیه و آن را نیز مورد حمایت قرار داده است. بدین ترتیب خانه و مسکن ماموران سیاسی همانند سفارتخانه ها، کنسولگریها و نمایندگیهای دایمی از مصونیت برخوردار و اسباب، اثاثیه و اشیاء دیگر موجود در آنها و همچنین وسایل نقلیه ماموران سیاسی به استناد بند ۳ ماده ۲۲ قرار داد مذکور مصون از تفتیش و تفحص و مصادره و توقیف و یا اقدامات اجرایی دیگر خواهد بود.

^{۳۳} -هاشمی، محمد، ۱۳۸۲، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، جلد ۱، تهران، انتشارات میزان، ص ۷۵.

بند سوم - معاینه منزل و دفتر وکلای دادگستری^{۳۴}:

در مواردی که ورود و تفحص در منزل یا محل کار وکیل دادگستری ضرورت داشته باشد قاضی تحقیق ناگزیر از رعایت برخی ضوابط است که مانند آن در بازرسی منازل و دفاتر افراد معمولی مشاهده نمی شود. نخست آنکه، قانونگذار این حق تفتیش را برای قاضی فقط وقتی قایل شده است که متهم نوشتجات خود را به منظور خاصی جهت جلوگیری از کشف جرم به وکیل خود سپرده باشد. ماده ۱۰۶ قانون آئین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب (در امور کیفری) مقرر می دارد: هر گاه متهم نوشته های خود را که موثر در کشف جرم است به وکیل خود یا شخص دیگری سپرده باشد قاضی می تواند آنها را حسب مورد در حضور وکیل یا آن شخص بررسی نماید.

گفتار پنجم - حرمت و حیثیت از لحاظ مواد قانونی:

بند اول - اصل مصونیت حرمت و حیثیت:

در نظام حقوقی ایران مصونیت حرمت و حیثیت اشخاص یک اصل حقوقی مسلم و پذیرفته شده ای است. گواه این مدعا اصل ۲۲ قانون اساسی است که مقرر می دارد: حیثیت، جان، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است مگر در مواردی که قانون تجویز کند. در رابطه با این اصل باید این نکته را خاطر نشان سازیم که از آنجا که حیثیت تجلی حیات معنوی افراد در روابط اجتماعی می باشد، اصل ۲۲ قانون اساسی مصونیت را نسبت به سایر موارد در مقام برتری قرار داده است^{۳۵}.

در کنار حکم کلی مندرج در اصل ۲۲ قانون اساسی باید به ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی اشاره کرد که اشعار می دارد: هر کس بدون مجوز قانونی عمدا یا در نتیجه بی احتیاطی به ... حیثیت یا شهرت تجاری ... افراد ... لطمه ای وارد نماید که موجب ضرر مادی یا معنوی دیگری شود مسئول جبران خسارت ناشی از عمل خود می باشد. همچنین، در راستای حراست از مصونیت حرمت و حیثیت افراد بوده که اصل ۳۹ قانون اساسی از یکسو هتک حرمت و حیثیت فردی که دستگیر، بازداشت، زندانی یا تبعید شده را علی الاطلاق ممنوع ساخته و چنین عملی را مستوجب مجازات دانسته است و از سوی دیگر اصل ۳۸ هر گونه شکنجه برای اخذ اقرار و یا تحصیل آگاهی را ممنوع نموده است و وادار ساختن فرد به ادای شهادت، اقرار یا قسم را به هیچ وجه روا ندانسته، شهادت، اقرار و قسمی که بدین نحو تحصیل می شود را فاقد هر گونه ارزش و اعتبار تلقی کرده است.

در راستای تحقق اهداف این اصول قوانین مختلف بویژه قانون مجازات اسلامی و قانون مسئولیت مدنی تصمیماتی را مقرر کرده اند که آنها را در قالب عناوین ذیل مورد بررسی قرار می دهیم .

بند دوم - منع دشنام، ناسزا گویی، اهانت و هجو:

افراد از هر گونه توهین همچون فحاشی و استفاده از الفاظ رکیک مصون هستند و نقض چنین مصونیتی در صورتی که موجب حد قذف نباشد با مجازات شلاق تا ۷۴ ضربه و یا پنجاه هزار تا یک میلیون ریال جزای نقدی مواجه خواهد شد. بعلاوه صیانت از منافع عمومی ایجاب می کند که مجریان نفع عمومی و

^{۳۴} - مهاجری، علی، ۱۳۸۱، ضابطین دادگستری، چاپ اول، تهران، انتشارات همراه، ص ۶۶.

^{۳۵} - مدنی، سید جلال الدین، ۱۳۷۰، حقوق اساسی و نهادهای سیاسی جمهوری اسلامی ایران، چاپ اول، تهران، انتشارات نشر همراه، ص ۲۱۲.

نمایندگان و خدمتگزاران مردم با هیچ مانع مادی یا معنوی مواجه نشوند. این است که هر گونه توهینی به این قبیل افراد در حال انجام وظیفه یا به سبب آن با مجازات سه تا شش ماه حبس و یا تا ۷۴ ضربه شلاق و یا پنجاه هزار تا یک میلیون ریال جزای نقدی محکوم میشود. همچنین هیچ کس حق ندارد با نظم یا نثر یا کتبا یا شفاهاً دیگری را آماج هجو خود قرار دهد یا به انتشار هجویه علیه افراد مبادرت ورزد و تخطی از این حکم، از لحاظ کیفری به حبس از ۱ تا ۶ ماه می انجامد و از لحاظ مدنی، مسئولیت وی به صورت الزام به متوقف ساختن عمل ضررآمیز و جبران خسارت مادی و معنوی محقق می شود^{۳۶}.

بند سوم - منع هتک اعتبار و آبرو:

این موضوع را هم از حیث مسئولیت کیفری و هم مسئولیت مدنی مورد بحث قرار می دهیم. از لحاظ مسئولیت کیفری چنانچه کسی به نیت ضرر رساندن به دیگری یا تشویش اذهان عمومی یا مقامات رسمی اکاذیبی را ابراز دارد علاوه بر آنکه در صورت امکان ملزم به اعاده حیثیت است به حبس از ۲ ماه تا ۳ سال و یا شلاق تا ۷۴ ضربه محکوم خواهد شد. در این رابطه فرقی ندارد که فرد مزبور چنین عملی را بوسیله نامه، شکوائیه، مراسلات، عرایض، گزارش، توزیع اوراق چاپی یا خطی، با امضاء یا بدون امضاء انجام دهد یا این که عمل وی در قالب انتساب خلاف حقیقت اعمالی به شخص حقیقی یا حقوقی یا مقامات اسمی ارتکاب یابد. به علاوه، در خصوص شخصی که در کمال سوء نیت به منظور متهم ساختن دیگری آلات و ادوات جرم یا اشیائی که پیدا شدن آنها در تصرف یک فرد باعث اتهام او می شود را بدون اطلاع آن فرد بگذارد یا مخفی کند یا این که به نحوی از انحاء متعلق به او قلمداد کند و در اثر این اقدام شخص مزبور تحت پیگرد قرار گیرد به حبس از ۶ ماه تا ۳ سال حبس و یا تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم می شود. از لحاظ مسئولیت مدنی، کسی که به حیثیت و اعتبارات شخصی یا خانوادگی او لطمه وارد می شود می تواند از کسی که لطمه وارد آورده است جبران زیان مادی و معنوی خود را بخواهد. هر گاه اهمیت زبان و نوع تقصیر ایجاب نماید دادگاه میتواند در صورت اثبات تقصیر علاوه بر صدور حکم به خسارت مالی حکم به رفع زیان از طریق دیگر از قبیل الزام به عذرخواهی و درج حکم در جراید و امثال آن نماید. ناگفته نماند که دختری که در اثر اعمال حيله یا تهدید و یا سوء استفاده از زیردست بودن حاضر برای هم خوابگی نامشروع شده می تواند از مرتکب علاوه از زیان مادی مطالبه زیان معنوی هم بنماید^{۳۷}.

در پایان این را مورد اشاره قرار میدهیم که در فرایند دادرسی هم جهت پاسداری از حرمت و حیثیت اشخاص بر اصل علنی بودن محاکمات محدودیتهایی وارد شده است که یکی از آنها امور خانوادگی یا دعوی خصوصی است البته به شرطی که طرفین غیر علنی شدن محاکمه رادرخواست نمایند.

ناگفته نماند که علنی بودن محاکمه به معنای عدم ایجاد مانع برای حضور افراد در جلسه دادرسی است. با این حال رسانه های گروهی حق ندارند جریان دادرسی را قبل از قطعی شدن حکم منتشر سازند و در غیر اینصورت به مجازات مفتری محکوم می شوند.

^{۳۶} - نوبهار، رضا، ۱۳۸۷، حمایت حقوق کیفری از حوزه های عمومی و خصوصی، چاپ اول، تهران، انتشارات جاودانه، ص ۳۳.

^{۳۷} - زراعت، عباس، ۱۳۸۲، اصول آیین دادرسی کیفری ایران، چاپ اول، تهران، انتشارات مجمع علمی و فرهنگی مجد، ص ۵۹.

گفتار ششم - حریم جنسی:

ایران کشوری است که اکثریت قریب به اتفاق مردم آن اسلام را پذیرفته و آن را آیین تمام شئون خویش قرار داده اند. در این راستا اصل دوازدهم قانون اساسی مقرر می دارد: دین رسمی ایران، اسلام و مذهب جعفری اثنی عشری است و این اصل الی الابد غیرقابل تغییر است... رسمیت اسلام و شیعه اقتضاء می کند که این دین و مذهب عملاً در امور مختلفه حقوقی، قضایی، سیاسی و اجتماعی کشور حاکم و مجری باشد. اصول متعدد قانون اساسی در این زمینه مقررات متنوعی را بیان می دارد، از جمله این که کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر اینها باید بر اساس موازین اسلام باشد.... بنابراین مجلس شورای اسلامی نمی تواند و قوانینی وضع کند که با اصول و احکام مذهب رسمی کشور... مغایرت داشته باشد و علاوه بر آن قضات دادگاهها مکلفند از اجرای تصویب نامه ها و آیین ماه های دولتی که مخالف با قوانین و مقررات اسلامی... است خودداری کنند و هر کس می تواند ابطال این گونه مقررات را از دیوان عدالت اداری تقاضا کند^{۳۸}. در امور قضایی هم اعمال قوه قضائیه به وسیله دادگاههای دادگستری است که باید بر طبق موازین اسلامی تشکیل شود و به حل و فصل دعاوی و حفظ حقوق عمومی و گسترش اجرای عدالت و اقامه حدود الهی بپردازند. بر این اساس قاضی موظف است کوشش کند حکم هر دعوا را در قوانین مدونه که مطابق شرع است بیابد و اگر نیابد با استناد به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر حکم قضیه را صادر نماید.

از سوی دیگر میدانیم که مطابق به آموزه های اسلام، تامین نیازهای جنسی و هرگونه فعالیت جنسی تنها از راه نکاح جایز است و جز آن پیمودن هر راه دیگری روا نیست. بازتاب این امر را در قانون مجازات اسلامی می بینیم. این قانون به اعمال جنسی آزاد افراد تحت چهار عنوان وصف مجرمانه داده است:

۱- زنا، ۲- لواط، ۳- مساحقه و ۴- جرائم ضد عفت و اخلاق عمومی. ماده ۶۳ این قانون زنا را عبارت دانسته از جماع مرد با زنی که ذاتاً بر او حرام است. پرواضح است که تنها زنی بر مرد ذاتاً حرام نیست که همسر او باشد. نتیجه آنکه جماع مرد با هر زنی غیر از همسر خود زنا است و مجازات آن بسته به نوع زنا ممکن است قتل، رجم یا تازیانه باشد. لواط، طبق مفاد ماده ۱۰۸ قانون مجازات اسلامی و طی انسان مذکر است چه به صورت دخول باشد یا تفخیز. مجازات چنین عملی ممکن است قتل باشد یا تعزیر تا ۷۴ ضربه شلاق. به علاوه هرگاه کسی دیگری را از روش شهوت ببوسد تا ۶۰ ضربه شلاق تعزیر می شود. همچنین هرگاه دوزن که با هم خویشاوندی نسبی نداشته باشند بدون ضرورت برهنه زیر یک پوشش قرار گیرند به کمتر از ۱۰۰ تازیانه تعزیر می شوند. در صورت تکرار این عمل و تکرار تعزیر در مرتبه سوم به هر یک ۱۰۰ تازیانه زده می شود.

مسأله به این جاختم نمی شود. چرا که از لحاظ ماهوی طبق ماده ۶۳۷ قانون مجازات اسلامی:

هر گاه زن و مردی که بین آنها علقه زوجیت نباشد، مرتکب روابط نامشروع یا عمل منافی عفت غیر از زنا از قبیل تقبیل یا مضاجعه شوند، به شلاق تا ۹۹ ضربه محکوم خواهند شد...

گفتار هفتم - حراست از داده ها:

^{۳۸} صفایی، حسین، ۱۳۸۱، حقوق خانواده و قرابت آن، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ص ۱۴۷.

در نظام حقوقی ایران مقررات و ضوابط چندی جهت حراست از داده های الکترونیک به چشم میخورد. طبق قسمت ۵-۳-۱۵ بند ب مقررات و ضوابط شبکه های اطلاع رسانی رایانه مصوبه ۸۰/۹/۱۲ شورای عالی انقلاب فرهنگی حریم اطلاعات خصوصی کاربران از مصونیت برخوردار بوده و هرگونه دسترسی غیر قانونی توسط رسانه ها و هر مرجع دیگر به فعالیتهای اینترنتی کاربران ممنوع است.^{۳۹} به علاوه رسانه ها به هیچ وجه حق ندارند روابط خصوصی افراد را افشا کرده یا حریم اطلاعات شخصی آنها را مورد دست اندازی قرار دهند و مراکز دارنده اطلاعات خصوصی و محرمانه از هر گونه نفوذ غیر مجاز مصون هستند و هر گونه کوششی که در راستای شکستن قفل رمز سیستم ها صورت می پذیرد، ممنوع می باشد. همچنین هر گونه تلاش جهت شنیدن و بررسی بسته های اطلاعاتی در حال گذر در شبکه که متعلق به دیگران باشد ممنوع می باشد .

رسانه ها موظف اند که از یکسو تدابیر فنی لازم جهت حفظ حقوق کاربران و جلوگیری از حمله و تجاوز به کامپیوترهای آنها را فراهم سازند و از سوی دیگر موظف اند اطلاعات راجع به نحوه حفاظت از حریم خصوصی اطلاعات و ارتباط افراد در شبکه خود را در اختیار کاربران بگذارند .

وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات نظارت بر حسن اجرایی این مقررات را بر عهده دارد و تخطی از این مقررات و ضوابط ممکن است به تذکر، قطع موقت مجوز، لغو پروانه و طرح در دادگاهها و محاکم قانونی براساس قوانین و مقررات ذیربط برعهده کمیسیون راهبردی است .

علاوه بر آنچه که در بالا گفتیم لازم است که ضوابط مندرج در آیین نامه دفاتر خدمات حضوری اینترنت را نیز مورد اشاره قرار دهیم .

طبق آیین نامه دفاتر خدمات حضوری اینترنت ، افشای روابط خصوصی افراد و تجاوز به حریم خصوصی اطلاعات شخصی آنان را ممنوع اعلام کرده است و انتشار اطلاعات حاوی کلیدهای رمز بانک های اطلاعاتی، نرم افزارهای خاص، صندوق های پست الکترونیک و یا روش شکستن آنها نیز ممنوع می باشد . همچنین ، نفوذ غیر مجاز به مراکز دارنده اطلاعات خصوصی و محرمانه به هر شکل که باشد ممنوع است و هر گونه تلاش جهت شکستن قفل رمز سیستم ها مقبول و مجاز نیست. از سوی دیگر کوشش جهت شنیدن و کاویدن بسته های اطلاعاتی در حال گذر در شبکه که به دیگران متعلق باشد ممنوع است^{۴۰} .

هر گونه تخلف در این خصوص برای بار اول تذکر ، بار دوم لغو موقت پروانه به مدت یک هفته ، بار سوم شش ماه لغو پروانه و تخلف نوبت چهارم لغو دائمی پروانه خواهد بود .

در پایان این بحث به عمده ضوابط مندرج در قانون تجارت الکترونیکی ایران اشاره کنیم. ماده ۵۸ این قانون اشعار می دارد: ذخیره ، پردازش و یا توزیع داده پیام های شخصی بین ریشه های قوی یا نژادی، دیدگاههای عقیدتی ، مذهبی ، خصوصیات اخلاقی و داده پیام های راجع به وضعیت جسمانی، روانی و یا جنس اشخاص بدون رضایت صریح آنها به هر عنوانی غیر قانونی است .

^{۳۹} - خالقی، علی، ۱۳۸۷، آیین دادرسی کیفری، چاپ اول، تهران، انتشارات شهر دانش، ص ۱۶۴.

^{۴۰} - حسینی ، سید محمد رضا، ۱۳۸۲، قانون مجازات اسلامی در رویه قضایی، چاپ اول، تهران ، انتشارات مجد، ص ۴۵.

حمایت از حریم خصوصی اشخاص در دادرسی های کیفری و حقوقی ایران با تأکید بر رویه قضایی: محسن کاتوزیان و شیدا نگارنده

مع الوصف طبق ماده ۵۹ این قانون در صورت رضایت شخص موضوع داده پیام نیز به شرط آنکه محتوای آن داده پیام وفق قوانین مصوب مجلس شورای اسلامی باشد. ذخیره، پردازش و توزیع داده پیام های شخصی در بستر مبادلات الکترونیکی باید با لحاظ شرایط زیر صورت پذیرد:

الف- اهداف آن مشخص بوده و به طور واضح شرح داده شده باشند،

ب- داده پیام باید تنها به اندازه ضرورت و متناسب با اهدافی که در هنگام جمع آوری برای شخص موضوع داده پیام شرح داده شده جمع آوری گردد و تنها برای اهداف تعیین شده مورد استفاده قرار گیرد،

ج- داده پیام باید صحیح و روزآمد باشد،

د- شخص موضوع داده پیام باید به پرونده های رایانه ای حاوی داده پیام های شخصی مربوط به خود دسترسی داشته و بتواند داده های ناقص و یا نادرست را محو یا اصلاح کند،

ه- شخص موضوع داده پیام باید بتواند در هر زمان با رعایت ضوابط مربوطه درخواست محو کامل پرونده رایانه ای داده پیام های شخصی مربوط به خود را بنماید.

با این وجود هیچ یک از مقررات فوق الذکر مانع از آن نیست که نتوان زبان های مادی و معنوی وارده را بموجب مقررات قانون مدنی در مورد اتلاف و تسبیب و بویژه قانون مسئولیت مدنی مطالبه کرد.

گفتار هشتم - تکالیف صاحبان مشاغل نسبت به رازداری:

حکم کلی تکلیف صاحبان مشاغل به رازداری در قانون مجازات اسلامی آمده است. این قانون در ماده ۶۴۸ مقرر کرده که: اطبا و جراحان و ماماها و داروفروشان و کلیه کسانی که به مناسبت شغل یا حرفه خود مجرم اسرار می شوند هر گاه در غیر از موارد قانونی، اسرار مردم را افشا کنند به سه ماه و یک روز تا یک سال حبس و یا به یک میلیون و پانصد هزار تا شش میلیون ریال جزای نقدی محکوم می شوند^{۴۱}.

به علاوه قوانین خاص هم تکالیفی را در این رابطه بر صاحبان مشاغل بار کرده اند. به چند نمونه از این قوانین اشاره می کنیم:

۱- ماده ۳۰ قانون وکالت ایران مصوب ۱۳۱۵ اشعار می دارد: وکیل باید اسراری که به واسطه وکالت از طرف موکل مطلع شده و همچنین اسرار مربوط به حیثیات و شرافت و اعتبارات موکل را حفظ نماید.

۲- ماده ۲۳۱ قانون مالیاتهای مستقیم ماموران اداره امور مالیاتی و سایر مراجع مالیاتی را ملزم می نماید که: اطلاعاتی را که ضمن رسیدگی به امور مالیاتی مودی به دست می آورند محرمانه تلقی و از افشای آن ... خودداری کنند ..

۳- ماده ۲۶ قانون مالیات بر ارث مصوب ۱۳۳۵ مستخدمان وزارت دارایی و اعضای کمیسیون تشخیص و سایر اشخاص مامور اجرای آن قانون را موظف کرده است هر گونه اطلاعاتی را که در نتیجه کار اداری شان در باره دارایی اشخاص تحصیل کرده اند، محرمانه تلقی کنند.

^{۴۱} - محمد زاده، شهرام، ۱۳۸۴، نگاهی به حقوق شهروندی و آزادیهای مشروع در رسیدگی های کیفری، چاپ اول، تهران، انتشارات فکرسازان، ص ۳۲۰.

فصل سوم: جلوه های نقض حریم خصوصی از لحاظ شکلی و ضمانت اجرای مربوطه در روبه قضایی ایران:

حق امنیت یکی از حق های بشری است که شهروندان، آن را مطالبه می کنند و از این رو، حق مذکور، دولت ها را مکلف می نماید که امنیت جانی، مالی و حیثیتی شهروندان را تضمین نمایند و با توجه به شکل گیری شیوه های نوین بزه کاری و تاثیر آن بر نظم عمومی جهانی، دولت ها بیش از پیش خود را مکلف به تامین امنیت می دانند. در جهت تحقق امنیت پاره ای از اصول کلاسیک تضعیف و در شرایطی، حتی کنار گذاشته می شوند. همگام با این تحول در حقوق کیفری، تحول مشابهی در جرم شناسی رخ می دهد.^{۴۲} از سوی دیگر، پیشگیری وضعی، مبارزه با جرم را به قیمت تحدید حقوق و آزادی های افراد با تغییر سبک زندگی، کار و حضور اجتماعی افراد، تغییر ساعات فعالیت روزانه، محل های رفت و آمد، صرف نظر کردن آنان از برخی علاقه ها و آرزوها ممکن می داند. بدین ترتیب در ذیل، موارد مختلف نقض حریم خصوصی مورد بررسی قرار می گیرد:

مبحث اول: تفتیش و بازرسی بدنی:

به موجب ماده ۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸: «هر کسی حق زندگی آزادی و امنیت شخصی دارد» و بنابر اصل ۲۲ قانون اساسی، حیثیت، جان، مسکن و شخص اشخاص از تعرض مصون باشد. از این رو، هیچ کس نباید متعرض حقوق و آزادی های افراد شود، زیرا اصل، برائت است و اصل آزادی افراد مورد حمایت و تاکید قانون گذاران می باشد. البته این حمایت تابع استثناهایی می باشد و آن هم در صورتی که قانون، اجازه محدود کردن حقوق و آزادی های افراد را داده باشد. حق بر حریم خصوصی جسمانی از جمله حقوقی است که ممکن است که از سوی مجریان قانون به ویژه نیرو های نظامی و انتظامی در مواردی نقض گردد. مصداق بارز نقض این حق، بازرسی و تفتیش بدنی افراد می باشد.

بازرسی بدنی افراد که بیشتر در ارتباط با افراد دستگیره شده و متهمان رایج است در صورتی که به موجب قانون نباشد، از جمله مواردی است که آزادی و امنیت شخصی افراد را مخدوش می نماید. زیرا، بازرسی بدنی یکی از موارد نقض حریم خصوصی جسمانی افراد به حساب می آید. این امر یعنی نقض حریم خصوصی جسمانی، زمانی آشکارتر می گردد که افراد جامعه از سوی پلیس یا سایر نیروهای امنیتی به بهانه پیشگیری (وضعی) از جرم، مورد بازرسی بدنی قرار می گیرند. نمونه بارز این امر، بازرسی های بدنی است که در مسافرت های بین شهری توسط مامورین ایست های بازرسی بدون حکم قضایی صورت می گیرد یا بازرسی های بدنی ای که در بدو ورود به برخی از ادارات، اگر چه از نظر امنیتی در سطح بالایی قرار ندارند، انجام می شود.^{۴۳}

حریم خصوصی جسمانی به صراحت در قانون اساسی بیان نشده است و تنها به تفسیر واژه های (حیثیت) و (جان) مذکور در اصل ۲۲ قانون اساسی، می توان حریم خصوصی جسمانی را مشمول حمایت

^{۴۲} احمدی، احمد، ۱۳۸۷، نقض حریم خصوصی، چالشی فراروی پیشگیری وضعی از وقوع جرم، مطالعات پیشگیری از جرم، شماره ۶، ص ۹۵.

^{۴۳} همان، ص ۹۶.

حمایت از حریم خصوصی اشخاص در دادرسی های کیفری و حقوقی ایران با تأکید بر رویه قضایی: محسن کاتوزیان و شیدا نگارنده
های قانون اساسی دانست^{۴۴} و بنا بر این قسمت اخیر ماده ۲۴ قانون آیین دادرسی کیفری، تفتیش و بازرسی در جرایم غیر مشهود باید با اجازه ی مخصوص مقام قضایی باشد و اجازه کلی برای بازرسی بدنی افراد و جاهت قانونی ندارد.

مبحث دوم: تفتیش و بازرسی اموال:

در تفکر اسلامی حفظ حرمت اموال اشخاص بسیار مورد تأکید قرار گرفته است تا جایی که حرمت مال مسلمان همچون حرمت خون وی دانسته شده است. و قانون اساسی ایران نیز که بر گرفته از آموزه های اسلامی است در اصل ۲۲ با ذکر واژه (مال) به مصونیت آن از تعرض اشاره کرده است. بازرسی اموال به منزله یکی از اقدام های و ضعی در پیشگیری از جرم، نیز می تواند به نوبه خود تهدید کننده حریم خصوصی افراد تلقی گردد.

بر طبق ماده ۹۶ قانون آیین دادرسی کیفری دادگاههای عمومی انقلاب (در امور کیفری) ۱۳۷۸: «تفتیش و بازرسی منازل، اماکن و اشیاء در مواردی به عمل می آید که حسب دلایل، ظن قوی به کشف متهم یا اسباب و آلات و دلایل جرم، در آن محل وجود داشته باشد». ماده مزبور به واژه (اشیاء) اشاره کرده است و بنا به نظریه مشورتی اداره کل حقوقی و تدوین قوانین قوه قضائیه^{۴۵} «.....اشیاء جمع شیء است و شیء هم شامل اتومبیل و غیره آن است...» در ماده مذکور و نیز نظریه مشورتی علاوه بر حفظ حرمت منازل و اماکن که نیروهای انتظامی چه در مقام ضابط دادگستری و چه در مقام نیروی حفظ امنیت، بدون حکم خاص مقام قضایی به لحاظ اهمیت آن در مراعات و حفظ حریم اشخاص نمی توانند به آن محل ها وارد شوند، به رعایت حرمت اشیاء نیز توجه و اشاره شده است. از این رو، در این قسمت به بازرسی اتومبیل های شخصی که موضوع مبتلا به جامعه ما نیز می باشد به عنوان یکی از مصداق های تعرض به مصونیت اموال پرداخته می شود.

با توجه به اصل ۲۲ قانون اساسی و اطلاق ماده ۹۶ قانون آیین دادرسی کیفری، بازرسی اتومبیل های شخصی همانند منزل باید با اجازه مقام قضایی باشد و این امر، معنایی جز حریم خصوصی بودن اتومبیل شخصی ندارد که لازمه آن، مصونیت از تعرض می باشد. اداره حقوقی قوه قضائیه در نظریه های مشورتی خود به شماره ۷/۲۳۱۷ تاریخ ۱۳۶۵/۴/۷، شماره ۷/۷۵۲۶ تاریخ ۱۳۶۵/۱۲/۷ و شماره ۷/۷۷۴۷ تاریخ ۱۳۷۹/۹/۱۷ اعلام می دارد که بازرسی خودروها در معابر، گلوگاه ها و در داخل شهر توسط نیروی نظامی یا انتظامی احتیاج به اجازه مخصوص هر خودرو توسط مقام قضایی دارد.

^{۴۴} گفتنی است که فصل دوم طرح حمایت از حریم خصوصی جسمانی اختصاص پیدا کرده است. ماده ۲ طرح مذکور بیان می دارد: (کرامت انسانی و حقوق و آزادی های ملازم با آن مصون از تعرض است. هیچ کس را نمی توان قبل از دستگیری یا پس از آن مورد بازرسی و تفتیش قرار داد مگر بر طبق قانون هم چنین حریم خصوصی جسمانی را شامل بازرسی بدنی از روی لباس یا در آوردن لباس و تفتیش اندام های داخلی انسان دانسته است. و در مبحث چهارم این فصل، مقررات مشترک در خصوص بازرسی بدنی مورد اشاره قرار گرفته است.

^{۴۵} نظریه مشورتی شماره ۷/۷۷۴۷ تاریخ ۱۳۷۹/۹/۱۷

نکته اساسی نظریه های مذکور، به ویژه نظریه ۷/۷۷۴۷، به آن اشاره کرده، این است که حکم مقام قضایی نمی تواند کلی باشد و باید در هر مورد، حکم خاص صادر شود. در غیر این صورت، احتمال نقض حریم خصوصی افراد در این موارد بسیار زیاد است.^{۴۶}

با توجه به عدم صراحت قانون گذار در مورد بازرسی وسایل نقلیه، رویه عملی پلیس بر آن است که بازرسی اتومبیل ها نیازمند اجازه مخصوص مقام قضایی نیست. از این رو، در برخی موارد مشاهده می شود نیرو انتظامی در جرایم غیر مشهود و بدون دستور مقام قضایی به تفتیش و بازرسی از اتومبیل ها به بهانه پیشگیری (وضعی) از جرم اقدام می نماید. به عقیده برخی با توجه به ماده ۲۴ قانون آیین دادرسی کیفری، مامورین انتظامی حق ندارند در جرایم غیر مشهود اقدام به بازرسی اتومبیل ها نمایند^{۴۷} و ابطال بخشنامه شماره ۴۰۲/۰۱/۱۷۹/۱ تاریخ ۱۳۷۹/۴/۱۱ اداره کل قوانین و امور حقوقی نیرو انتظامی در ارتباط با عدم نیاز به گرفتن مجوز قضایی برای بازرسی خودروها توسط واحدهای نیرو انتظامی از سوی دیوان عدالت اداری موید این مطلب می باشد.^{۴۸}

بدین سان، جز در جرایم مشهود، توقیف و بازرسی خودروی اشخاص بدون دستور مقام قضایی جایز نیست و در جرم های غیر مشهود، صدور حکم کلی از سوی مقام قضایی فاقد و جاهت قانونی است و باید برای هر مورد (بازرسی هر خودرو) حکم خاص صادر گردد.^{۴۹}

گفتار اول: قواعد حاکم بر بررسی و تفتیش منازل از لحاظ شکلی:

متهم تا زمانی که به موجب حکم قطعی دادگاه کیفری محکوم نشده است، در پناه اصل برائت قرار دارد و نمی توان وی را مجرم دانست. در این شرایط حمایت از حقوق شهروندان ایجاب می کند که در رفتار با آن ها موازین عادلانه و قانونی رعایت شود کی از مراحل دادرسی کیفری، تحقیقات مقدماتی است. ممکن است در تحقیقات و بررسی های مربوط به یک جرم، نیاز به ورود به منازل شهروندان و تفتیش و بازرسی باشد؛ در چنین شرایطی همواره باید اصل برائت و حفظ حقوق متهم مورد توجه باشد. در قانون آیین دادرسی کیفری برای حفظ حقوق متهم در زمان تفتیش و بررسی منازل، حقوقی پیش بینی شده است. نشریه حمایت در گفت و گو با دکتر محمدمهدی ساقیان، عضو هیئت علمی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران به بررسی آنها پرداخته است.

گفتار دوم: مقررات تامین حقوق شهروندان در هنگام تفتیش و بازرسی از لحاظ شکلی:

^{۴۶} برای ملا حضه دیدگاه مخالف، مبنی بر این که برای هر مورد نیاز به مجوز قضایی نیست نگاه کنید به: محمد نسل، غلام رضا، بررسی لایحه پیشگیری از وقوع جرم (با رویکرد انتظامی) فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، شماره سوم ۱۳۸۶ ص ۲۵.

^{۴۷} جعفری، عباس، ۱۳۸۵، بررسی حق حریم خصوصی، مجله تعالی حقوق، شماره ۱، ص ۴۱

^۱ رای شماره ۱۳۷۷-۱۷/۰۶/۱۳۸۰ هیئت عمومی در دیوان عالی کشور (به صراحت قسمت اخیر ماده ۲۴ قانون آئین دادرسی کیفری ۱۳۷۸) (تفتیش منازل، اماکن و اشیاء و جلب اشخاص در جرایم غیر مشهود باید اجازه مخصوص مقام قضایی باشد هر چند اجرای تحقیقات به طور کلی از طرف مقام قضایی به ضابط ارجاع شده باشد) بنابر این بخشنامه شماره ۴۰۲/۰۱/۱۷۹/۱ مورخ ۱۳۷۹/۴/۱۱ اداره کل قوانین و امور حقوقی ناجا که تفتیش و بازرسی خودروها را علی الاطلاق و در غیر جرایم مشهود بدون کسب اجازه مخصوص از مقام قضایی مجاز دانسته و حتی دستور مقام قضایی در زمینه خود داری از تفتیش غیر قانونی را غیر قابل ترتیب اثر اعلام داشته است. مقادیر منطوق صریح ماده مذکور و حکم مقنن در باب تکلیف ضابطین دادگستری به اطلاعات از اوامر قضایی و خارج از حدود و اختیارات اداره مزبور در وضع مقررات دولتی تشخیص داده میشود و به استناد قسمت دوم ماده ی ۲۵ قانون دیوان عدالت اداری ابطال می گردد.

^{۴۹} احمدی، پیشین، نقض حریم خصوصی، چالشی فراروی پیشگیری وضعی از وقوع جرم، ص ۹۸

یکی از مهم ترین اقدامات قضایی در جمع آوری دلایل، کشف، ضبط اشیاء، اموال و وسیله جرم و یا وسایل از جرم تحصیل شده، تفتیش و تفحص منزل و سایر مکان هایی است که مرتکب جرم از آن ها برای پنهان کردن وسایل مزبور استفاده می کند. این اقدامات، امکان انجام همه مشاهدات مفید را برای بازپرس فراهم می کند. در تفتیش منزل باید بین حقوق افراد (اصل مصونیت مسکن) از یک سو و حقوق جامعه (اصل کشف حقیقت) از سوی دیگر توازن برقرار کرد. در خصوص رعایت حقوق افراد، اصل ۳۲ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مقرر می دارد: «حیثت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است مگر در مواردی که قانون تجویز می کند». بدین ترتیب ورود قهری به منزل افراد از سوی افراد عادی و همچنین ماموران و مقامات غیر قضایی ممنوع و متجاوزان به مجازات های پیش بینی شده در قانون مجازات اسلامی (ماده ۶۹۴) خواهند رسید. با وجود این، مصونیت مسکن شهروندان، نباید مانع از کشف حقیقت - که از اصول راهبردی ناظر به حمایت از جامعه است - در مورد ارتکاب جرم شده و موجب سوءاستفاده بزهکاران شود. بر همین اساس، قانون گذاران کشورهای مختلف، استثنایی به اصل مذکور وارد کرده و تحت شرایط خاصی ورود به منزل اشخاص در صورت ضرورت را پذیرفته اند. این امر موضوع مواد ۹۱-۹۶ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۰ قرار گرفته بود. قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸ نیز با عنوان «تفتیش و بازرسی منازل و اماکن و کشف آلات و ادوات جرم»، مواد ۹۶ تا ۱۰۳ را به این موضوع مهم اختصاص داده است. آیا تفتیش و بازرسی با هم فرق دارند؟

حقوقدانان بین ورود به منزل به منظور دستگیری متهمان (بازرسی) و ورود با هدف تفتیش و تفحص در آن تفکیک قایل شده اند؛ در صورت نخست مشاهده، بررسی و احیاناً دستگیری متهم مورد نظر است و حال آنکه در تفتیش و تفحص، ورود همراه با جست و جو دقیق عناصر دلیل، جابه جایی اشیا و اقدامات دیگری که ممکن است نظم جامعه را بر هم زند، توأم است.

گفتار سوم: شرایط و محدودیت های قانونی به هنگام ورود و بازرسی منزل:

برای تفتیش و تفحص منزل مقررات سختی در نظر گرفته می شود. مواد ۹۶ به بعد قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۷۸، ضوابط لازم الرعایه به هنگام ورود و بازرسی منزل را مورد اشاره قرار داده است. اولین قاعده این است که تفتیش در منازل (در غیر از موارد جرم مشهود) باید با اجازه مخصوص مقام قضایی باشد (مواد ۲۴ و ۹۶ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۷۸) طبق نظریه اداره حقوقی قوه قضاییه: «..... مستنبط از مواد قانونی مذکور اقدام به هر گونه بازرسی از منازل و اموال مردم که برای کشف جرم و جلوگیری از ورود مجرم به عمل می آید بایستی تحت نظر و به دستور صریح و مستقیم مقامات صالحه قضایی (دادستان و بازپرس) و توسط ضابطان دادگستری به عمل آید و اجازه بازرسی منازل در مواردی که حسب قوانین و امارات، ظن قوی به حضور متهم یا کشف اسباب، آلات و ادله وقوع جرم در آن وجود دارد، با دستور بازپرس و با قید جهات ظن قوی در پرونده، مجاز است. اصل دیگر در این رابطه این است که ورود و تفتیش در منزل در صورتی مجاز است که «بر حسب دلایل» ظن قوی به کشف جرم یا اسباب و آلات و دلایل ارتکاب و یا دستگیری در منزل وجود داشته است (ماده ۱۰۰ همان قانون). از دیدگاه اداره حقوقی قوه قضاییه، تفتیش و بازرسی از منازل و وسایط نقلیه و به طور کلی اموال و اجناس مردم بدون این که اتهامی متوجه آنان باشد، یک نوع تعرض به حقوق ملت به شمار می رود و از نظر قانون اساسی ممنوع است. ماده ۱۳۹ لایحه جدید آیین دادرسی کیفری نیز در این خصوص مقرر داشته است: «چنانچه تفتیش و بازرسی با حقوق اشخاص در

تراحم باشد، در صورتی مجاز است که از حقوق آنان مهم‌تر باشد.» نکته بعد اینکه تفتیش منازل باید در روز به عمل آید، ورود به منزل افراد به هنگام شب فقط در موارد «ضروری» امکان پذیر است و قاضی باید جهات ضرورت را در صورت جلسه قید کند (ماده ۱۰۰ همان قانون). مطابق تبصره ماده ۱۴۰ لایحه جدید آیین دادرسی کیفری، روز از طلوع آفتاب تا غروب آن است. در حقوق فرانسه بازرسی به غیر از برخی موارد استثنایی (جرایم سازمان یافته) باید بین ساعت ۶ تا ۲۱ انجام شود. دیگر اینکه مدت اعتبار مجوز ورود به منزل و تعداد دفعات آن باید از سوی مقامات قضایی مشخص شود. نظر مشورتی اداره حقوقی قوه قضاییه بر این است که «... در هر حال اعطای نمایندگی به طور مطلق، بدون تعیین نماینده و مدت و موضوع آن با مقررات بیان شده در قبیل مطابقت ندارد.» لایحه آیین دادرسی کیفری در یک نوآوری قابل توجه دستور مقام قضایی برای ورود به منزل، اماکن بسته و تعطیل، تحت هر عنوان را به صورت موردی مجاز دانسته است. (ماده ۱۴۱)

نکته دیگری که قابل اشاره است مربوط است به اینکه بازرسی و تفتیش باید از طریق عادی و پس از ارایه مجوز صورت گیرد و از ورود هرگونه خسارت به ساختمان و اشیای داخل منزل باید اجتناب شود. چنانچه در محل بازرسی کسی حضور نداشته باشد، تفتیش ممکن نخواهد بود مگر این که امر مذکور فوریت داشته باشد که در این صورت قاضی می‌تواند با قید مراتب در صورت جلسه، دستور بازکردن محل را بدهد (تبصره ماده ۹۸ همان قانون). تبصره ماده ۱۴۲ لایحه جدید نیز مقرر کرده است: «هرگاه در محل مورد بازرسی کسی نباشد، در صورت فوریت، بازرسی در غیاب متصرفان و ساکنان محل، با حضور اهل محل به عمل می‌آید و مراتب فوریت در صورت جلسه قید می‌شود.» و موضوع آخر هم اینکه بازرسی منزل باید در حضور متصرف قانونی و شهود تحقیق به عمل آید و حضور افراد، غیر از کسانی که در امر جزایی دخالت دارند (شاک، متهم و شهود تحقیق) ممنوع است (ماده ۹۹ همان قانون). از این رو می‌توان به حضور ۲ شاهد بسنده کرد. در صورت عدم حضور صاحبخانه، تفتیش باید در حضور عیال یا بزرگترین فرد خانواده صورت پذیرد، در مواردی که متهم همسر نداشته و یا بزرگترین عضو خانواده در منزل نباشد، قانونگذار حکم قضیه را تعیین نکرده است ولی در ظاهر باید حضور ۲ تن شاهد را، مشروط بر این که از افراد تحت تسلط اداری- قضایی مقام تفتیش کننده نباشند، کافی دانست. در حقوق فرانسه، در شرایطی که حضور متهم ممکن نیست، بازرسی با حضور نماینده انتخابی وی یا ۲ شاهد انتخابی وی یا ۲ شاهد انتخابی از سوی مقام قضایی انجام می‌شود. منظور از منزل در این قوانین چیست؟ آیا منازل اجاره‌ای و موقت را هم شامل می‌شود؟

در مقررات مربوط به تفتیش و بازرسی، منزل فقط به محل اقامت شخص در مفهوم قوانین مدنی یا تجاری اطلاق نمی‌شود. منظور از منزل هرگونه محل یا محفظی است که شخص در آن سکونت می‌کند. بدین سان، دایم یا موقت بودن سکونت، بزرگ یا کوچک بودن منزل یا نوع و چگونگی ساختمان و نیز ثابت یا متحرک بودن آن، تاثیری در احکام ناظر به بازرسی منزل ندارد، همچنین است عنوان قانونی و نوع حقی که می‌تواند اعم از مالکیت، حق سکنی و یا اجازه موقت در تصرف باشد.

گفتار چهارم: ضمانت اجرا:

اقدام به تفتیش و بازرسی از منازل و اموال افراد بدون ترتیب قانونی با ضمانت اجرای کیفری همراه است. ماده ۵۸۰ قانون مجازات اسلامی، مجازات حبس از ۱ ماه تا ۱ سال را برای متصرفان حریم خصوصی

افراد در نظر گرفته است. لایحه آیین دادرسی کیفری نیز در یک نوآوری جالب، پرداخت خسارت مادی را برای افراد (متصرف منزل) پیش‌بینی کرده است. مطابق مواد ۱۴۵ و ۱۴۶ این لایحه، در صورتی که در جریان بازرسی منزل، خسارت مادی وارد و به موجب تصمیم قطعی، قرار منع یا موقوفی تعقیب و یا حکم برائت صادر شود، دولت مسوول جبران خسارت است، مگر آن که تقصیر بازپرس یا سایر ماموران محرز شود که در این صورت، دولت جبران خسارت می‌کند و به بازپرس و یا ماموران مقصر مراجعه می‌کند.

مبحث سوم: تعرض به حریم خصوصی اطلاعات و ضمانت اجرای آن:

مراد از اطلاعات خصوصی یا شخصی، اطلاعاتی است که به شخصیت افراد نظیر وضعیت خانوادگی، عادت های فردی، ناراحتی های جسمی، شماره کارت اعتباری، شماره حساب های بانکی، عضویت در احزاب یا تشکل های صنفی و وضعیت های نژادی، قومی و قبیله ای افراد مربوط می شود. یکی از اقدام های وضعی برای پیشگیری از جرم به دست آوردن اطلاعات مربوط به افراد توسط نیروی انتظامی و امنیتی است که می تواند مصداق بارز نقض حریم خصوصی اطلاعات به شمار می آید. بر این اساس نیروی نظامی، انتظامی یا امنیتی با مراجعه به شرکت های بیمه، بانک ها و سایر مراکز یا سازمان های که به نحوی اطلاعات شخصی مربوط به افراد را در اختیار دارند و گرفتن این گونه اطلاعات از آنها به بهانه مبارزه با جرایم، زمینه نقض حریم خصوصی اطلاعات افراد را فراهم می نماید.^{۵۰}

با وجود این، حریم خصوصی داده های شخصی در هیچ یک از قانون اساسی مورد توجه واقع نشده است. حتی قانون خاصی نیز در این زمینه وجود ندارد.^{۵۱} با این حال، در قوانین عادی، به طور پراکنده مورد توجه قانون گذار واقع شده است و ضمانت اجرایی نیز برای نقض آن در نظر گرفته شده است. قانون تجارت الکترونیکی^{۱۳۸۲} در موارد ۵۸ تا ۶۲ به حمایت از داد ههای شخصی پرداخته و ضمانت اجرایی آن را در موارد ۷۱ تا ۷۴ ذکر نموده است. برای نمونه، ماده ۵۸ این قانون مقرر می دارد (ذخیره، پردازش و یا توزیع داده پیام شخص مبین ریشه های قومی یا نژادی، دیدگاههای عقیدتی، مذهبی، خصوصیات اخلاقی و داده پیام های راجع به وضعیت جسمانی، روانی یا جنسی اشخاص بدون رضایت صریح آن ها به هر عنوان غیر قانونی است). هم چنین مواد ۶۰۴^{۵۲} و ۶۴۸^{۵۳}، قانون مجازات اسلامی، حریم خصوصی اطلاعات را موارد توجه قرار داده اند و برای نقض کنندگان آن ها ضمانت اجرا های کیفری پیش بینی کرده اند.^{۵۴}

^{۵۰} همان، ص ۹۹

^{۵۱} گفتنی است حریم خصوصی اطلاعات در موارد ۲۸ تا ۵۴ طرح حمایت از حریم خصوصی بیان شده است اما طرح مزبور تا کنون قدرت اجرایی پیدا نکرده است.

^{۵۲} ماده ۶۰۴ قانون مجازات اسلامی (هریک از مستخدمین دولتی اعم از قضایی و اداری، نوشته ها و اوراق، اسنادی را که حسب و وظیفه به آنان سپرده شده با برای انجام وظایفشان به آنها داده شده را معدوم نمایند یا به کسی بدهد که به لحاظ قانون از دادن به آن کس ممنوع باشد علاوه بر جبران خسارت وارده به حبس از سه ماه تا یک سال محکوم خواهد شد).

^{۵۳} ماده ۶۴۸ قانون مجازات اسلامی: (اطباء و جراحان و ماماها و دارو فروشان و کلیه کسانی که به مناسبت شغل یا حرفه خود محرم اسرار می شوند و هر گاه در غیر از موارد قانونی، اسرار مردم افشا کنند به سه ماه تا یک سال حبس و یک میلیون و پانصد هزار تا شش میلیون ریال جزای نقدی محکوم می شوند).

^{۵۴} گفتنی است برخی از کشورها در راستای حمایت از حریم خصوصی اطلاعات، قوانین خاصی را به تصویب رسانده اند. برای نمونه، فرانسه در سال ۱۹۷۸ قانون حمایت از دادهها را تصویب می کند. آلمان ۱۹۷۷ قانون فدرال حمایت از دادهها و در نظام حقوقی سوئیس، قانون فدرال حمایت از دادهها در سال ۱۹۹۲ به تصویب می رسند و اصل ۱۰ قانون اساسی هلند در بند ۳ و ۲ صراحتاً به حمایت از حریم خصوصی اطلاعات

مبحث چهارم: تعرض به حریم خصوصی ارتباطات از لحاظ شکلی:

انسان از آن زمان که خود را شناخت جامعه و اجتماع را نیز شناخت و از همان زمان برای خود خلوتی را نیز قرار داد، که این خلوت مرز زندگی اجتماعی و خصوصی بود و هست. زندگی خصوصی حریمی را می‌طلبد که در جهان امروز به آن حریم خصوصی، حق تنها بودن، حق خلوت و... می‌گویند ولی تعریفی جامع از آن که و مورد تایید همگان باشد، به دست داده نشده است. این حریم همیشه مرد تعرض از سوی افراد و حکومت‌هایی قرار گرفته و خواهد گرفت و این در حالی است که انتظار می‌رود اشخاص در این محدوده مورد تعرض واقع نگردند. این مقاله بر آن است تا تعاریف و انواع حریم خصوصی و صورت‌ها و اشکال تعرض به آن را با توجه به موازین بین‌المللی و سپس حقوق موضوعه ایران و گاه سایر کشورها بیان نماید و در راه نگاه به تعرض به حریم خصوصی تکنولوژی امروزه جهان را مد نظر دارد.

گفتار اول: تعرض به ارتباطات خصوصی اینترنتی:

منظور از (ارتباط خصوصی اینترنتی) هر نوع ارتباطی است که بر قرار کننده ارتباط در ایران است یا پیام خود را به دریافت کننده معینی در ایران ارسال کرده و انتظار متعارف دارد تا پیام مذکور تنها توسط شخص مورد نظر او دریافت شود. نظیر پست الکترونیکی، مکالمه تلفنی اینترنتی.^{۵۵}

تحول در فناوری‌های وسایل دیجیتالی، فرایند صنعتی شدن نظارت را آسان نموده است. اینترنت ابزاری است ارزشمند برای ارتقاء سطح حقوق بشر و حمایت از آن و به نوعی سریع‌ترین و ارزان‌ترین ابزار برقراری ارتباط را عرضه می‌دارد. با وجود این مزیت‌ها، ایراد‌های نیز بر آن وارد است. به جهت طبیعت باز شبکه، راه برای نیروهای پلیس آن چنان هموار است که بدون داشتن حکم بازرسی می‌توانند افراد را تحت کنترل قرار دهند. این امر، یکی از موضوعات مهم و نگران‌کننده مقررات فزاینده، و کنترل دسترسی به موضوعات مندرج در اینترنت است. از این رو، دولت‌ها می‌توانند هر گونه اقدام آن لاین را مخفیانه تحت نظر بگیرند، اما حضور آن‌ها از نظر پنهان است و استفاده‌های آن‌ها از اطلاعات تراکنشی ما کاملاً نامحسوس است.^{۵۶} در پاسخ گفته شده که، در جهانی که، راه برای دستیابی به اینترنت هموار است، داشتن حریم خصوصی، انتظاری نامعقول است.^{۵۷} اما باید گفت که حریم خصوصی، بیان آزاد و استقلال فردی از توابع محیط فنی به شمار نمی‌آیند، بلکه آن‌ها به مثابه ارزشهای اساسی جامعه اند:

گروه ارتباطات و فناوری‌های نوین مرکز پژوهش‌های مجلس، وضعیت حریم خصوصی در فضای سایبر را با دید آسیب‌شناسانه بررسی کرده و بیان می‌دارد که حریم خصوصی افراد می‌تواند از سوی مجریان قانون، ارایه‌دهندگان خدمات شبکه‌ای و سایر افراد مورد تعرض قرار گیرد. زیرا بسیاری از افراد و داده‌های خصوصی آن‌ها طبق مقررات جهت پیشگیری از جرم یا تعقیب مجرمان در اختیار مجریان قانون

اشاره دارد. برای آگاهی بیشتر نگاه کنید به: انصاری، باقر، حریم خصوصی و حمایت از آن در حقوق اسلام، تطبیقی ایران، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۶۶، ۱۳۸۳، از ص ۲۰ تا ۳۵

^{۵۵} این تعریف بر گرفته از تعریف مندرج در تبصره ماده ۶۵ طرح حمایت از حریم خصوصی می‌باشد.

^{۵۶} هیک، استیون؛ اف هلیپن، ادوارد؛ هوسکینز، اریک، ۱۳۸۶، حقوق بشر و اینترنت، ترجمه سید قاسم زمانی و مهناز بهراملو، چاپ اول، تهران، انتشارات خرسندی، ص ۲۹۶.

^{۵۷} همان، ص ۲۸۴.

قرار می گیرد و چنان چه ضابطه مشخص برای استفاده از این اطلاعات وجود نداشته باشد این وسیله برای لطمه زدن به حریم خصوصی افراد(داده های الکترونیکی آن ها) خواهد بود.^{۵۸}

گفتار دوم: شنود مکالمات تلفنی و بازرسی و تفتیش نامه ها و سایر مرسوله های پستی:

یکی دیگر از مواردی که به منظور پیشگیری وضعی از جرم صورت می گیرد، شنود مکالمه های تلفنی و بازرسی نامه و سایر مرسوله های پستی می باشد. از جمله نتایج آزادی شخصی، مصون بودن مکاتبات، مکالمات تلفنی، مخابرات تلگرافی و تلکس و به طور کلی اسرار شخصی است و اصل ۲۵ قانون اساسی، ماده ۱۲ اعلامیه جهانی حقوق بشر و بند ب ماده ۱۸ اعلامیه اسلامی حقوق بشر، شنودهای تلفنی ممنوع اعلام کرده اند. ماده ۱۰۴ قانون آیین دادرسی کیفری نیز بیان می دارد: «در مواردی که ملاحظه، تفتیش و بازرسی مراسلات پستی، مخابراتی، صوتی و تصویری مربوط به متهم برای کشف جرم لازم باشد قاضی به مراجع ذی ربط اطلاع می دهد که اشیاء فوق را توقیف نموده و نزد او بفرستند...». تبصره ماده مذکور، ضمن قبول اصل ممنوع بودن شنودهای تلفنی، آن را در دو مورد اجازه می دهند. «کنترل تلفن افراد جز در مواردی که به امنیت کشور مربوط است و یا برای احقاق حقوق اشخاص به نظر قاضی ضروری تشخیص داده شود، ممنوع است».

نکته جالب توجه در تبصره مزبور این است که با توجه به ابهام واژه (امنیت) و واگذاری تشخیص (ضروری بودن) به قاضی بدون وضع قاعده توسط قانون گذار، احتمال اعمال سلیقه های شخصی و تضییع حقوق افراد وجود دارد. از این رو، ممکن است با موازین حقوق بشر و نیز با مقررات قانون اساسی مغایرت پیدا کند.^{۵۹}

^{۵۸} لازم به ذکر است طرح حمایت از حریم خصوصی مواد ۶۵ تا ۷۱ را به ارتباطات اینترنتی اختصاص داده است. لایحه جرایم رایانه ای که کلیات آن در تاریخ ۱۳۸۷/۶/۲۰ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است. موارد مختلفی از آن مانند مواد ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۶ به حمایت از حریم خصوصی ارتباطات اینترنتی اختصاص داده شده است. اما آنچه بیشتر نگران کننده می باشد مواردی است که در مواد ۲۹، تبصره ی ماده ی ۲۱ و ماده ۲۸ ذکر شده است. ماده ۲۹ و تبصره ماده ۲۱ بیان می دارند که «...در موارد فوری، نظیر خطر آسیب دیدن یا تغییر یا از بین رفتن داده ها ضابطین دادگستری می توانند راسا دستور حفاظت(از داده های رایانه ای ذخیره شده) را صادر کنند...». ماده ۲۸ ذکر شده است. ماده ۲۹ تبصره ماده ۲۱ بیان می دارند که «...در موارد فوری نظیر خطر آسیب دیدن یا تغییر یا از بین رفتن داده ها، ضابطین دادگستری می توانند راسا دستور حفاظت (از داده های رایانه ای ذخیره شده) را صادر کنند...» ماده ۲۸ فراتر از آن مقرر می دارد: «چنانچه در حین اجرا دستور تفتیش و توقیف تفتیش داده های مرتبط با جرم ارتكابی در سایر سیستم های رایانه ای یا مخابراتی تحت کنترل یا تصرف متهم ضروری باشد، مامورین (نیرو انتظامی) می توانند دامنه تفتیش را به سیستم های دیگر گسترش داده و اقدام مقتضی را به عمل آورند. سوال این است که (موارد فوری) چه مواردی می باشد و ملاک ضروری بودن تفتیش داده ها چیست؟ این ابهام و نیز دادن حکم قضایی و قانون تفتیش به ماموران و ضابطان می تواند در تجاوز ماموران ضابطان به حریم خصوصی افراد تاثیر گذار باشند. البته ماده ۴۳ این لایحه به متضرر از تفتیش و توقیف داده ها و یا سیستم های رایانه ای و مخابراتی در نتیجه دستور قضایی با تحو عملکرد ماموران یا ضابطین، این حق را داده که ظرف ده روز پس از اجرا و آگاهی از آن، نزد دادگاه صالح شکایت کند. لیکن این ضمانت اجرا کافی نمی باشد و چنانچه ضابطه ای مشخص و معین برای تفتیش و توقیف داده ها وجود نداشته باشد احتمال نقض حریم خصوصی از سوی ماموران نیرو انتظامی و ضابطان دادگستری وجود دارد.

^{۵۹} آخوندی، پیشین، آئین دادرسی کیفری، جلد چهارم، ص ۱۹۹

قانون گذار ایران در موارد ۵۸۲^{۶۰} و ۶۴۱^{۶۱} قانون مجازات اسلامی، حریم خصوصی ارتباطات را مورد توجه قرار داده و برای تفتیش و بازرسی مراسلات پستی، مخابراتی، صوتی و تصویری و به ویژه مزاحمت های تلفنی که یکی از مصداق های نقض حریم خلوت و تنهایی افراد جامعه است، ضمانت اجرا های کیفری را در نظر گرفته است.^{۶۲}

در نظام حقوقی آلمان، در زمینه حریم خصوصی در سال ۲۰۰۱ اصلاح شد تا آرایه دهندگان خدمات اینترنتی را ملزم سازد که وسایل و امکانات لازم برای کنترل داده ها و خطوط صوتی را در اختیار مقامات مجری قانون (نیرو انتظامی) قرار دهند، که با اعتراض ماموران حمایت از داده ها مواجه شدند.^{۶۳}

فصل سوم: بررسی حریم خصوصی از لحاظ شکلی در دعاوی کیفری:

مبحث اول: اصول کلی قوانین شکلی در رابطه با حریم خصوصی:

قانون آیین دادرسی کیفری در تمام کشورها و نظام های حقوقی سه هدف عمده عادلانه کردن دادرسی، آسان کردن دادرسی و انسانی کردن دادرسی را دنبال میکنند. که مصداق همان بررسی شکلی است.

توجه به اصول کلی حقوق کیفری نظیر اصل برائت و حاکمیت آن و همچنین توجه به شان و کرامت انسان ها و حیثیت اشخاص و حرمت حریم خصوصی آن ها از جمله علل اصلی تدوین آیین دادرسی کیفری می باشد. در واقع موضوعات مطروحه مواردی هستند که باید بعنوان اصول حاکم در تدوین تمام مواد از لحاظ شکلی رعایت و مطمح نظر قرار گیرند. از این رو به برخی از مواد و بررسی از لحاظ شکلی می پردازیم:

خوشبختانه ماده ۴ قانون جدید آیین دادرسی کیفری به این موضوعات پرداخته، که برای روشنتر شدن موضوعات مذکور و حیطة اجرای آن ها توضیح مختصری از برخی نکات مطروحه در ماده ضروری به نظر می رسد.

شرح ماده:

ماده ۴ قانون دادرسی کیفری جدید مصوب ۱۳۹۲

اصل برائت است هرگونه اقدام محدود کننده، سالب آزادی و ورود به حریم خصوصی اشخاص جزیه حکم قانون و با رعایت مقررات و تحت نظارت مقام قضایی مجاز نیست و در هر صورت این اقدامات نباید به گونه ای اعمال شود که به کرامت و حیثیت اشخاص آسیب وارد کند.

نکات مورد اشاره در ماده عبارتند از.

^{۶۰} ماده ۵۸۲ قانون مجازات اسلامی ایران: (هر یک از مستخدمین و مامورین دولتی، مراسلات یا مخابرات یا مکالمات تلفنی اشخاص را در غیر مواردی که قانون اجازه داده حسب مورد مفتوح یا توقیف یا معدوم یا بازرسی یا ضبط یا استراق سمع نماید یا بدون اجازه صاحبان آنها مطالب آنها را افشا نماید به حبس از یک سال تا سه سال و یا به جزای نقدی از شش تا هجده میلیون ریال محکوم خواهد شد.

^{۶۱} ماده ۶۴۱ قانون مجازات اسلامی: هر گاه کسی به وسیله تلفن یا دستگاههای مخابراتی دیگر برای اشخاص ایجاد مزاحمت نماید علاوه بر اجرای مقررات خاص شرکت مخابرات مرتکب به حبس از یک تا شش ماه محکوم خواهد شد.

^{۶۲} گفتنی است طرح حمایت از حریم خصوصی در موارد ۵۵ تا ۶۴ به حریم خصوصی ارتباطات پستی و ارتباطات از راه دور پرداخته است.

^{۶۳} انصاری، باقر، ۱۳۸۲، حریم خصوصی و حمایت از آن در حقوق اسلام، تطبیقی و ایران، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۶۶، ۱۳۸۳، ص ۲۷.

۱- تاکید بر اساس ۳۷ قانون اساسی و اینکه اصل بر براءت است، یعنی همه افراد در ابتدا بی گناه محسوب می شوند مگر اینکه خلاف آن ثابت شود، این بدان معناست که اولاً شروع تعقیب کیفری افراد محتاج دلیل است و صرف شکایت متضرر از جرم یا ادعای دادستان بدون دلیل کافی نمی تواند موجب آغاز تعقیب کیفری علیه اشخاص باشد ثانیاً بار اثبات دلیل بر اساس قاعده البینه علی المدعی بر عهده شاکی و دادستان است. ثالثاً اصل براءت باید در تمام مراحل آیین دادرسی کیفری رعایت شود و تا صدور حکم قطعی و اثبات ارتکاب جرم توسط متهم و به طور کلی در تمام مراحل آیین دادرسی کیفری (اصل براءت) حاکم است. رابعاً مفهوم دیگر اصل براءت آن است که اگر در جرم بودن یا جرم نبودن عمل شبهه ای وجود داشته باشد بر اساس اصل براءت حکمی در شرع عمل می شود یعنی در صورت شک در ارتکاب فعل یا ترک فعل توسط متهم در دایره شمول حکم کیفری قرار نمی گیرد.

۲- در بخش دوم ماده بر اساس اصول ۲۲-۲۵-۳۲-۳۳ قانون اساسی تاکید شده است هرگونه اقدام در خصوص سلب آزادی اشخاص در مراحل رسیدگی محتاج حکم قانون است یعنی صدور قرارهای تامین از جمله قرار بازداشت یا سایر قرارهایی که به علت عدم امکان و توانایی متهم منتهی به بازداشت می شود باید مستند قانونی داشته باشد که در همین قانون (قانون جدید آیین دادرسی کیفری) مواد ۲۳۷ - ۲۳۸ - ۲۳۹ مستندات قانونی لازم را در این خصوص ارائه نموده است، نکته مهم این است که اقدام سلب آزادی یا محدود کننده آزادی اشخاص از قبیل ممنوع الخروج نمودن باید با وجود دلائل کافی و پس از بررسی توسط مقام قضائی صورت گیرد و از سوی دیگر اقدام سلب آزادی باید تنها راه ممکن باشد (رجوع شود به مواد ۲۴۷ - ۲۴۸ و ۲۵۰ قانون جدید آیین دادرسی کیفری) همچنین ورود به حریم خصوصی اشخاص از قبیل تفتیش منزل، محل کار، خودرو، بازیابی مکاتبات و پست الکترونیکی افراد، اخذ فهرست مکالمات تلفنی و یا شنود این مکالمات، اصولاً ممنوع است و تنها بر اساس حکم قانون و دستور مقام قضائی و در صورت وجود دلائل کافی مبنی بر وقوع جرم و انتساب آن به متهم و اهمیت جرم و ضرورت دسترسی و جمع آوری دلائل ممکن خواهد بود. حریم خصوصی افراد نه تنها در خصوص محیط زندگی خصوصی فرد و محل کار وی مصداق دارد بلکه هر گونه اطلاعات فرد از جمله اطلاعات مرتبط با حسابهای بانکی، رفت و آمد و اسناد مرتبط با وی، هر چند در مراجع عمومی و دولتی ثبت و ضبط شده باشد جزئی از حریم خصوصی افراد محسوب میشود و اصولاً هر گونه اطلاعات مرتبط با فرد که آشکار نیست و همگان از آن مطلع نیستند بخشی از حریم خصوصی فرد است. بنابراین جمع آوری اطلاعات افراد در خصوص حسابهای بانکی و مالیاتی، فرمهای مثبت در دانشگاه، اسناد درمانی، ورود و خروج به کشور، رفت و آمد فرد، و معاملات وی و اطلاعات مشابه نظیر فرم های استخدامی، مصاحبه ها، و... جزئی از حریم خصوصی فرد محسوب میشود و هر گونه استعمال و جمع آوری اطلاعات به صورت محسوس یا نا محسوس محتاج دستور صریح و روشن مقام قضائی است، پاسخ به استعلامات و بررسی های کتبی و شفاهی در خصوص موارد یاد شده بدون حکم قانون و دستور مقام قضائی از مصادیق تجاوز به حریم خصوصی افراد خواهد بود، به قیاس اولویت ضبط هر گونه فیلم و صدا در جلسات غیر عمومی و غیر علنی، تصویر برداری از اسناد امضا شده فرد و دسترسی به عکس های خصوصی و فیلم های وی که در فضای مجازی و یا ابزارهایی نظیر پست الکترونیکی و یا سایر ابزارهای موجود که تنها برای اشخاص خاص یا گروه معین و محدودی از افراد ارسال شده، بدون حکم قانون و با ذکر دلائل کافی و دستور و نظارت مقام قضائی مخالف منطبق ماده ۴ قانون مرقوم خواهد بود.

۳- مقصود از نظارت مقام قضائی در خصوص اقدامات سالب آزادی و مواردی که ورود به حریم خصوصی ضرورت دارد تنها کسب دستور ابتدائی از مقام قضائی نیست بلکه نظارت در تمام طول مدت جمع آوری با ذکر دقیق موارد لازم و علت آن ها باید صورت گیرد، پرهیز از جمع آوری اطلاعاتی که مرتبط با موضوع پرونده نیست و عدم افشاء آن ضرورت دارد.

۴- در صورتیکه در جمع آوری اطلاعات ضابطین قضایی از وقوع جرم و یا جرایم جدیدی مطلع شوند حق ورود و رسیدگی به جرایم مذکور و یا جمع آوری اطلاعات در خصوص آن ها را ندارند و باید ضمن حفظ دلایل در اسرع وقت مورد رابه دادستان پس از بررسی های لازم دستور تعقیب صادر خواهد کرد، همچنین جمع آوری اطلاعات در خصوص افرادی که در پرونده متهم نیستند و افشاء اطلاعات خصوصی مرتبط با آن ها ممنوع است.

۵- در بخش انتهایی ماده در خصوص نحوه اعمال اقدامات سالب آزادی و محدود کننده آزادی یا ورود به حریم خصوصی افراد دو قید مهم ذکر شده است، اول اینکه این اقدامات هر چند بر اساس مستندات قانونی با دلایل کافی و به دستور مقام صالح قضایی صورت گیرد نباید اعمال آن ها کرامت انسانی اشخاص را خدشه دار کند، کرامت انسانی در متون بین المللی و منابع شرعی مکر را مورد بحث و تاکید قرار گرفته است، هر گونه اقدام که موجب تحقیر و توهین به افراد گردد و جنبه پست کردن یا رنج دادن فرد را داشته باشد مخالف کرامت انسانی است، کرامت انسانی صرف نظر از نژاد، سن، جنس، دین، و اعتقادات شخص و صرف نظر از اتهامی که به فرد منسوب شده است، در خصوص کلیه افراد فقط به سبب انسان بودن آن ها باید رعایت شود، بنابراین هر گونه توحین و تحقیر متهم یا بستگان وی، استفاده از ابزارهایی نظیر دستبند و پابند، بدون ضرورت بستن چشم و دهان متهمین، عدم توجه به حواجی طبیعی آنان و موقعیت سنی و جسمی آنان و توحین و تحقیر به اعتقادات و آموزه های فرد، مخالف کرامت انسانی است.

دوم اقدامات سالب آزادی یا محدود کننده آزادی و یا ورود به حریم خصوصی افراد نباید به یثیت آنان اطمینان ای وارد کند، حیثیت به معنی آبرو، جایگاه و شان اجتماعی افراد است و در واقع جایگاه فرد از دیدگاه های مختلف توجه به حیثیت خانوادگی فرد، جایگاه شغلی وی و موقعیت های اجتماعی و رعایت احترام افراد بر اساس جایگاه های آنان در انجام این اقدامات ضرورت دارد مثلاً احضار یا جلب یک مدیر ارشد، یک استاد معتبر یا یک تاجر و فعال اقتصادی یا بزرگ یک خانواده باید با رعایت شان و جایگاه وی و توأم با احترام باشد.

۶- عدم تجویز اقدامات سالب آزادی یا محدود کننده آزادی و یا ورود به حریم خصوصی افراد بدون رعایت شرایط مندرج در ماده به این معناست که در صورتیکه شرایط مذکور رعایت نشود و دلائلی جمع آوری شود این دلائل فاقد ارزش اثباتی خواهد بود زیرا بدون مجوز قانون جمع آوری شده و فاقد اعتبار است و بهتر بود در ماده صراحتاً به اعتبار دلائلی که با فقدان شرایط جمع آوری شده اشاره می شد.

۷- در صورتیکه سلب آزادی فرد یا محدود کردن آزادی وی بدون حکم قانون یا خارج از محدوده شمول قانون باشد و یا بدون دستور مقام قضایی صورت گیرد از مصادیق مواد ۵۷۰ و ۵۷۵ قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ خواهد بود و قابل تعقیب کیفری است. همچنین بازگشایی مکتوبات یا دسترسی و افشاء اطلاعات افراد از جمله مکالمات تلفنی و مراسلات یا مخابرات و از این قبیل می تواند از مصادیق افعال مجرمانه موضوع ماده ۵۸۲ قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ باشد.

۸- در صورت وجود ضرورت و مستند قانونی و دستور مقام قضایی در خصوص اقدامات مذکور، انجام اقدامات می تواند مورد اعتراض قرار گیرد، این موضوع در خصوص اعتراض به قرار بازداشت در مواد ۲۳۹ - ۲۴۰ و ۲۴۲ قانون جدید آیین دادرسی کیفری مورد حکم قرار گرفته است. در خصوص ورود به حریم خصوصی نیز متهم یا وکیل وی حق خواهند داشت در صورت عدم ضرورت دسترسی به اطلاعات و یا ورود به حریم خصوصی دلایل لازم را ارائه نمایند و به مقام صادر کننده و ناظر بر اقدامات و دستورات وی، اعتراض نمایند .

نتیجه گیری:

حریم خصوصی یکی از ارزشمندترین مفاهیم نظام های حقوقی توسعه یافته است. حق بر حریم خصوصی در زمره مهم ترین حقوقی است که ارتباط تنگاتنگی با کرامت انسانی دارد. هدف آن تعالی شخصیت انسان و به دیگر سخن تکریم تمامیت مادی و معنوی انسان است. حریم خصوصی با استقلا و آزادی انسان ها و حق بر تعیین سرنوشت برای خود ارتباط وثیق دارد. زیرا فضای لازم برای رشد و تکامل شخصی افراد را فراهم ساخته و از ابزار شدن انسان ها جلوگیری می کند. به انسان ها امکان می دهد تا اهداف و غایات خصوصی خود را تعقیب کنند و عرصه ای برای ابراز احساسات و عواطف درونی خود داشته باشد. همچنین حریم خصوصی یکی از اصول سازمان بخش جامعه مدنی است که امکان شکوفایی انجمن ها و تشکلات خصوصی را فراهم می سازد. لزوم حمایت از حریم خصوصی و عدم مداخله در امور خصوصی دیگران یکی از آموزه های مهم اسلام نیز می باشد. در آیات متعددی از قرآن مجید بر لزوم رعایت حریم خصوصی اشخاص تأکید شده است. سنت پیامبر اکرم (ص) و ائمه اطهار (ع) و سیره مسلمانان نیز سرشار از توصیه هایی در پرهیز از نقض مصادیق مختلف حریم خصوصی است. البته اصطلاح حریم خصوصی نه در آیات قرآن و نه در روایات اسلامی استعمال نشده است و موضع اسلام در مواجهه با مقوله حریم خصوصی یک موضع به اصطلاح تحویل گرایانه است. یعنی حریم خصوصی در قالب احاله به حقوق و آزادی های دیگر نظیر حق مالکیت حق آزادی از تجسس حق بر خورداری از اصل برائت حق غیر قابل تعرض بودن حقوق وابسته به شخصیت مورد حمایت واقع شده است. نویسنده بر این باور است که قدمت حمایت از حریم خصوصی در حقوق اسلامی بسیار بیشتر از سایر نظام های حقوقی است و مقوله هایی مختلف این حق با مبانی مستحکمی مورد حمایت قرار گرفته است با وجود این متأسفانه نه در نظام حقوقی ایران و نه در نظام حقوقی سایر کشورهای مسلمان در تدوین قوانین و مقررات مختلف مرتبط با حریم خصوصی اهمیت این حق چنانکه باید درک نشده و حمایت های لازم از آن صورت نگرفته است.

حریم خصوصی بخشی از حیات شخصی و خانوادگی انسان محسوب می شود که جدا از عرصه عمومی اجتماعی رسمی است . لذا اساس این حریم ، مبتنی بر حمایت از آزادی و استقلال فردی، حمایت از آبرو و حیثیت افراد و حمایت از نیازهای فطری انسان به مسائل شخصی و خصوصی است. توجه به حریم خصوصی یکی از اساسیترین مصادیق حقوق بشر است که از توجه به شأن و منزلت انسانی و ارزشهای مبتنی بر انواع آزادی ها نشأت گرفته است. حریم خصوصی نه تنها از آزادی و استقلال افراد در قبال هموعان خود و رسانه ها حمایت میکند، بلکه وسیله ای است برای دفاع از آزادی و امنیت فردی در برابر دولت. همچنین قلمرو حریم خصوصی به گونهای است که افراد مایل نیستند دیگران بدون رضایت آنها به آن وارد شوند. بنابراین احترام گذاشتن به حریم خصوصی افراد به منزله یکی از اصول اولیه شهروندی ضروری است. این حریم، خصوصیتترین بخش زندگی افراد است که باید توسط

سایرین نیز درک شده و مورد احترام قرار گیرد. هیچ کس اجازه ورود به حریم خصوصی دیگران را ندارد و تعرض به آن، تخلف و قانون شکنی محسوب میشود. زیرا حریم خصوصی به عنوان یک حق واقعی است که نخست، حق افراد به آزاد بودن از مداخله دیگران را در فعالیتهایشان تا جایی که این فعالیتهای آسیبی به دیگران نزنند نشان میدهد. دوم؛ حق افراد در انتخاب داشتن مقداری اطلاعات در مورد خود که غیرقابل دسترسی برای دیگران است. مسئله قابل توجه اینکه حریم خصوصی یکی از اصول سازمان بخش جامعه مدنی است که امکان تشکیل انجمنها و تشکیلات خصوصی را فراهم میسازد. در واقع وجود حوزه های عمومی و خصوصی، پیش شرط یک جامعه دموکراتیک است. با همه ابهام هایی که درباره مفاهیم حوزه های عمومی و خصوصی وجود دارد، طیف گسترده ای از نظریات، به لزوم وجود حوزه های خصوصی آزاد از مداخلات دولتی و نقش آنها در رشد فردی و اجتماعی انسان ها، اذعان میکنند. در نظام حقوقی ایران، حریم خصوصی به صورت مشخص و معنون، حمایت نشده است. همانند موضع نظام حقوقی اسلام، موضع حقوق موضوعه ایران در مواجهه با حریم خصوصی، تحویلگرایانه است: از حقوق و آزادی های که تحت عنوان «حریم خصوصی» حمایت میشوند به طور ضمنی و در بطن سایر قواعد حقوقی ایران هرچند به طور ناقص، مورد حمایت قرار گرفته اند. قانون اساسی، قانون مجازات اسلامی، قانون آیین دادرسی کیفری، قانون آزادی اطلاعات، قوانین و مقررات مربوط به ارتباطات پستی، تلفنی، و قانون مطبوعات، در زمره قوانین و مقرراتی هستند که گاه ضمنی و گاه صریحاً از برخی مصادیق حریم خصوصی، حمایت کرده اند. البته بر خلاف قوانین اساسی کشورهای دیگری که از حریم خصوصی به صورت مشخص و در قالب اصل یا اصول خاصی حمایت کرده اند، در قانون اساسی ایران متن خاصی که از حریم خصوصی تحت این عنوان، حمایت کرده باشد، وجود ندارد. با آن که قوانین و مقررات کنونی از برخی مصادیق حریم خصوصی حمایت کرده اند اما این حمایت ها کافی و کارآمد نیست. از حریم جسمانی، حریم منزل، حریم خصوصی کارکنان و مستخدمان، حریم اطلاعات شخصی، حریم ارتباطات اینترنتی و حریم خصوصی افراد در قبال افشاگری های رسانهای یا هیچ حمایتی صورت نگرفته است یا اگر حمایتی وجود دارد با توجه به دسترس بودن انواع فناوریهای قابل استفاده برای نقض حریم خصوصی، کافی و کارآمد نیست. وجود رویه های مختلف ناقض حریم خصوصی در جامعه، گواه آشکاری است بر این امر که حمایت های قانونی و قضایی مناسبی از حریم خصوصی افراد در جامعه اعمال نمی شود. در چنین وضعی علاوه بر آن که تدوین قانون حمایت از حریم خصوصی برای رفع خلاء قانونی در اینباره ضرورت دارد، آگاهیدادن و اطلاع رسانی درباره مفاهیم و مصادیق حریم خصوصی و تجربیات سایر کشورها در زمینه حمایت از حق حریم خصوصی نیز می تواند تاثیر مهمی در مشخص شدن جایگاه این حق در روابط فردی و اجتماعی داشته باشد.

منابع و مأخذ:

۱: منابع فارسی:

الف: کتابها:

- ۱- اردبیلی، محمدعلی، ۱۳۷۸، حقوق جزای عمومی جلد ۲، تهران، انتشارات میزان.
- ۲- انصاری، ولی الله، ۱۳۸۰، حقوق تحقیقات جنایی، چاپ اول، تهران، انتشارات سمت.
- ۳- انصاری، باقر، ۱۳۸۶، حقوق حریم خصوصی، چاپ اول، تهران، انتشارات سمت.
- ۴- ایمانی، عباس، ۱۳۸۲، فرهنگ اصطلاحات حقوق کیفری، چاپ اول، تهران، انتشارات آریان
- ۵- آخوندی، محمود، ۱۳۷۷، آیین دادرسی کیفری، جلد دوم، چاپ پنجم، تهران، انتشارات سازمان چاپ و انتشارات فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ۶- بسته‌نگار، محمد، ۱۳۸۰، حقوق بشر از منظر اندیشمندان، تهران، انتشارات شرکت سهامی انتشار.
- ۷- بوشهری، جعفر، ۱۳۸۴، حقوق اساسی، چاپ اول، تهران، انتشارات شرکت سهامی انتشار.
- ۸- جعفری تبار، حسن، ۱۳۸۵، نسبت آزادی و قانون در حکومت قانون و جامعه مدنی، چاپ اول، تهران، انتشارات دانشکده حقوق دانشگاه تهران.
- ۹- حسینی، سید محمد رضا، ۱۳۸۲، قانون مجازات اسلامی در رویه قضایی، چاپ اول، تهران، انتشارات مجد.
- ۱۰- دهخدا، علی اکبر، ۱۳۷۷، لغت نامه، جلد ۱۶، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- ۱۱- راسخ، محمد، ۱۳۸۴، بنیاد نظری اصلاح نظام قانونگذاری، تهران، انتشارات مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- ۱۲- رضایی خاوری، حسن، فلسفه حقوق، چاپ اول، مشهد، انتشارات دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
- ۱۳- زارعی، محمدحسین، ۱۳۷۶، تحلیلی از پیوند حقوق اداری و مدیریت دولتی بر پایه حاکمیت قانون، مجله مدیریت دولتی، شماره ۳.
- ۱۴- زندی، محمد رضا، ۱۳۸۳، ۴۳۲ نکته از قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب مصوب ۸۱، چاپ اول، تهران، انتشارات نشر اشرافیه.
- ۱۵- ساکت، محمد حسین، ۱۳۷۰، نگرش تاریخی به فلسفه حقوق، چاپ اول، تهران، انتشارات جهان معاصر.
- ۱۶- شاملو احمدی، محمد حسین، ۱۳۸۳، دادسرا و تحقیقات مقدماتی، چاپ اول، تهران، انتشارات دادیار.
- ۱۷- صانعی، پرویز، ۱۳۷۱، حقوق جزای عمومی، جلد اول، چاپ اول، تهران، انتشارات گنج دانش.
- ۱۸- طباطبایی مؤتمنی، منوچهر، ۱۳۸۲، آزادی های عمومی و حقوق بشر، چاپ سوم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- ۱۹- عبادی، شیرین، ۱۳۷۳، تاریخچه و اسناد حقوق بشر در ایران، چاپ اول، تهران، انتشارات روشنگران.
- ۲۰- کاتوزیان، ناصر، ۱۳۷۷، فلسفه حقوق، چاپ اول، تهران، انتشارات شرکت سهامی انتشار.

۲۱- کاتوزیان، ناصر، ۱۳۹۴، قانون مدنی در نظم حقوق کنونی، تهران، انتشارات میزان

۲۲- کیوانفر، شهرام، ۱۳۸۵، مقاومت در برابر قانون در حکومت قانون و جامعه مدنی، چاپ اول، تهران، انتشارات دانشکده حقوق دانشگاه تهران.

۲۳- لطیفی، محمد حسن، ۱۳۸۵، اخلاق نیکو، تهران، انتشارات طرح نو.

۲۴- مرکز مالگیری، احمد، ۱۳۸۵، حاکمیت قانون (مفاهیم، مبانی و برداشت‌ها)، چاپ اول، تهران، انتشارات مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.

۲۵- معین، محمد، ۱۳۷۵، فرهنگ فارسی، جلد چهارم، چاپ نهم، تهران، انتشارات امیر کبیر.

۲۶- موحد، محمد علی، ۱۳۸۱، در هوای حق و عدالت (از حقوق طبیعی تا حقوق بشر)، چاپ اول، تهران، انتشارات نشر کارنامه.

۲۷- مهرپور، حسین، ۱۳۸۹، نظام بین الملل حقوق بشر، تهران، انتشارات گنج دانش.

۲۸- هاشمی شاهرودی، محمود، ۱۳۷۸، بایسته های فقه جزایی، تهران، انتشارات میزان.

ب: مقالات:

۱۰- نیس بام، هلن، ۱۳۸۱، حمایت از حق خلوت آدمیان در عصر اطلاعات، ترجمه عباس ایمانی، مجله پژوهش‌های حقوقی، شماره دوم، تهران.

۱۱- واعظی، مجتبی؛ علی پور، علی، ۱۳۸۹، بررسی موازین حقوقی حاکم بر حریم خصوصی و حمایت از آن در حقوق ایران، حقوق خصوصی، پاییز و زمستان، شماره ۱۷.

۱- احمدی، احمد، ۱۳۸۷، نقض حریم خصوصی، چالشی فراروی پیشگیری وضعی از وقوع جرم، مطالعات پیشگیری از جرم، بهار، شماره ۶.

۲- استین، لورا؛ نیکیل، سینا، ۱۳۸۳، رسانه‌های نوین و سیاستگذاری ارتباطات (نقش دولت در قرن ۲۱)، ترجمه لیدا کاووسی، فصلنامه رسانه، سال پانزدهم، ش ۲، تابستان.

۳- امیر ارجمند، اردشیر، همتی، مجتبی، ۱۳۸۵، بررسی و تحلیل تضمینات حقوق اقتصادی و اجتماعی بین الملل در نظام های حقوق داخلی، الهیات و حقوق، شماره ۲۳، سال هفتم.

۴- انصاری، باقر، ۱۳۸۳، حریم خصوصی و حمایت از آن در حقوق اسلام، تطبیقی و ایران، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۶۶.

۵- جعفری، عباس، ۱۳۸۵، بررسی حق حریم خصوصی (قسمت اول)، مجله تعالی حقوق، شماره ۱.

۶- کدیور، محسن، ۱۳۸۲، پیش درآمدی بر بحث عمومی و خصوصی در فرهنگ اسلامی، بازتاب اندیشه در مطبوعات و اینترنت، بهمن، ش ۴۶.